

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام کتاب:

إِنَّا عَلَى الْعَهْدِ

نگاهی به فلسفه زیارت اربعین و وظایف زائران در عصر کنونی

پژوهش و تدوین:

مؤسسه فرهنگی راه فخرالأئمه علیهم السلام

تهیه شده در:

قرارگاه اربعین هیأت رزمندگان اسلام

چاپ:

اول تابستان ۱۴۰۴



هیأت رزمندگان اسلام



مؤسسه فرهنگی هنری
راه فخرالأئمه

تلفن: ۸۸۹۶۰۴۳۰

نمابر: ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک: info@eheyat.com

شماره پیامک: ۶۶۰۰۰۹۹۷۵۵

اتحاد العهد

نگاهی به فلسفه زیارت اربعین
و وظایف زائران در عصر کنونی

پژوهش و تدوین:

مؤسسه فرهنگی راه فخر الأئمه علیهم السلام

تهیه شده در:

قرارگاه اربعین هیأت رزمندگان اسلام

تابستان ۱۴۰۴

فهرست

مقدمه ۸

فصل اول:

فلسفه قیام اباعبدالله الحسین (ع) / ۱۱

- سؤال اصلی: چرا قیام؟ ۱۲
- هدف شهادت یا حکومت؛ یا هیچکدام؟! ۱۲
- پاسخ اینجاست: نظام اسلامی ۱۳
- کدام انحراف قیام را واجب می کند؟ ۱۴
- واجب تر از همه واجبات؛ حتی حکومت! ۱۵
- موقعیت مناسب قیام یعنی چه؟ ۱۶
- از این انحراف بالاتر؟! ۱۶
- امام حسین (علیه السلام) و یک فرصت طلایی ۱۷
- رابطه تکلیف و خطر ۱۸
- کربلا و انقلاب: هدف یکسان؛ نتیجه متفاوت ۱۹
- خلاصه ماجرا ۲۰

فصل دوم: اربعین و زیارت / ۲۳

- ۲۴ حقیقت ماجرای اربعین
- ۲۵ شرط قبولی زیارت
- ۲۷ زیارت با معرفت یعنی چه؟
- ۲۹ حقیقت زیارت؛ در زیارت به دنبال چه باشیم؟
- ۲۹ احیای حق خدا، حق رسول و حق امام
- ۳۰ تقرب به خدا و اتصال به پیامبر و امام
- ۳۲ تجدید عهد و میثاق با امام؛ اِنَّا عَلٰى الْعَهْدِ
- ۳۴ اعلام آمادگی بر نصرت امام در قیام
- ۳۶ زیارت به قصد خشمگین ساختن دشمن

فصل سوم: وظایف و تکالیف زائر اربعین / ۴۱

- ۴۲ جهاد تبیین؛ بعنوان یک فریضه قطعی و فوری
- ۴۳ زنده نگاه داشتن خون، نام و مرام حسین
- ۴۵ داشتن موضع روشن در برابر دشمن
- ۴۷ دشمنی دائمی با دشمنان
- ۴۸ معیت با ولی خدا و ثبات قدم در آن
- ۵۰ خون خواهی و مطالبه حق امام
- ۵۲ آمادگی برای بذل جان و مال (شهادت طلبی)

فصل چهارم؛ اربعین و گفتمان مقاومت / ۵۵

- بخش اول؛ گفتمان سازی مقاومت ۵۶
- هستی شناسی مقاومت آگاهانه ۵۶
- تبارشناسی مقاومت آگاهانه ۵۶
- چرایی و ضرورت مقاومت ۵۷
- لزوم گفتمان سازی نظریه‌ی مقاومت ۵۸
- موتور محرکه‌ی مقاومت و ارکان تداوم آن ۵۸
- منطق مقاومت آگاهانه ۵۹
- بخش دوم؛ زائر اربعین و مسئله فلسطین ۶۴
- خدمت مردم غزه و فلسطین به قرآن و اسلام ۶۴
- بی آبرو شدن غرب و فرهنگ غربی توسط مردم غزه ۶۵
- غزه و فلسطین مسئله‌ی اول جهان اسلام ۶۷
- فلسطین؛ کلید رهایی سایر ملتها ۶۷
- بی سابقه‌ترین جنایات در کربلای غزه ۶۸
- تلاش دشمن برای منحرف کردن اذهان ۶۹
- مقابله با انحراف اذهان عمومی در خصوص غزه ۷۰
- لزوم جهاد تبیین در قبال مسئله فلسطین ۷۱
- با جوانان دیگر کشورها ارتباط بگیرید ۷۲

فصل پنجم:

راهبرد مقاومت در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل / ۷۳

- بخش اول: آغاز جنگ ۷۴
- عامل آغاز جنگ؛ مقاومت یا مذاکره؟! ۷۴
- اشتباه رژیم صهیونی در آغاز جنگ ۷۴
- رویکرد نظام در برابر اشتباه راهبردی رژیم صهیونیستی ۷۵
- بخش دوم: نتیجه جنگ ۷۶
- پیروزی بر رژیم صهیونیستی ۷۶
- پیروزی بر آمریکا ۷۷
- تجلی اتحاد و قدرت ملت ایران ۷۸
- بخش سوم: عوامل پیروزی در جنگ ۱۲ روزه ۷۹
- تدبیر رهبری در جایگزینی سریع فرماندهان ۷۹
- پیوند امت با نظام و امام جامعه ۷۹
- مقاومت و حضور مردم در صحنه ۷۹
- اتحاد مردم ۸۰
- منطق تسلیم ناپذیری ملت ایران ۸۰
- نه جنگ تحمیلی؛ نه صلح تحمیلی ۸۲
- بخش چهارم: وظایف مردم و صاحبان فکر ۸۳
- ادامه مسیر مقاومت ۸۳
- تبیین منطق مقاومت ۸۳

مقدمه

قال الحسين: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». ^۱

جهاد فی سبیل الله یعنی مبارزه در مسیر احقاق حق الله و حاکمیت مطلق احکام و قواعد الهی در این کره خاکی (یعنی تحقق هدف انبیاء و اوصیاء الهی : ، حکمرانی مطلق عدل در جهان) آرمانی نبود که تنها برگزیدگان خدای متعال مأمور به اقامه آن باشند: «لكن من واجب حقوق الله التعاون الى اقامة الحق».

آری! امام و امت در این امر مکلف و مسئولند. اصلاح امت یعنی برگشت به اصل دین و اداء تکلیف الهی، هدم و نابودی حکمرانی استکبار و طاغوت اموی و دنباله های یهود معاند و دشمن ترین با اهل توحید.

اگرچه سیدالشهداء در این مسیر پربهجت و حیات بخش، با بذل جان خویش چهره از باطن نفاق برکشید و تا قیام قیامت اهل سمعه

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸

وریا و شک را رسوا نمود، لکن این جهاد حرکتی نیست که در کربلا پایان پذیرد. سید سجاد علیه السلام و زینب کبری علیها السلام علاوه بر کوفه و شام، با تجدید عهد خود در زیارت اربعین همگان را به اقامه این فریضه واجب فراخوانده و جاماندگان از بنی هاشم، جابر و عطیه، بادیہ نشینان این دیار، در این میقات پای میثاقی گرد هم آمدند که تا امروز اداء این حق خون سالار شهیدان و یاران صدیقش همچون سنتی پویا و حسنه ای ماندگار، محبان و ارادتمندان سبط شهید پیامبر اعظم صلی اللہ علیہ وسلم را به لبیک صاقد فرامی خواند.

بی شک امام عصر علیه السلام با همراهی سید الشهداء و شهیدان طول تاریخ از راه می رسند و با لشکر طالب حق و خون ثار الله آن اراده را تحقق می بخشند: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱.

این کتاب اگر چه بسیار مختصر و گذرا، سعی دارد چرایی و چگونگی این حماسه ماندگار و تداوم با عظمتش در فریضه واجب زیارت با الگوی اربعین حسینی را صرفاً یادآوری کند، آن هم در عصری که ظلم و جنابت یزیدیان زمان رژیم سفاک و کودک کش صهیونیست و آمریکا و غرب وحشی و خائنین منطقه روی شداها، نمرودها و فرعون ها را سفید کرده اند. قتل عام دهها هزار کودک و زن و مرد، ویرانی، آوارگی، گرسنگی و تشنگی بی امان در غزه جای کربلا تا کوفه و شام را نه چهل روز، که بیش از دو سال به رخ جهانیان می کشد. و تا امت اسلامی از خواب قرون بیدار نشوند و با یکپارچگی و اتحاد کلمه قدرت حق را نشان ندهند، قصه همین است و بدتر نیز

۱. سوره قصص، آیه ۵

خواهد شد، همانطور که مولایمان در روز عاشورا فرمود: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرًا لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۱.

و صد البته حسینیان این دیار، با عظمت و اقتدار غائله را ختم خواهند کرد و وعده الهی: «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ»^۲ را تحقق خواهند بخشید.

و مقاومت پیروز میدان در امن و امان مسجد الاقصی را به آغوش خواهد کشید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»^۳؛ تا طلوع آن خورشید ولایت عظمی همچنان بر همان عهد که بستیم هستیم: «اَنَا عَلَى الْعَهْدِ...»

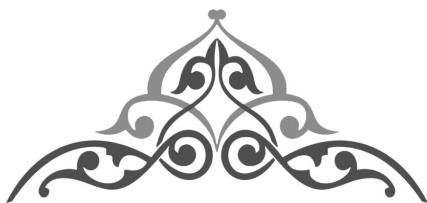
احمد پناهیان

مدیر مؤسسه فرهنگی راه فخر الأئمه علیهم السلام

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۸

۲. سوره اسراء، آیه ۵

۳. سوره حج، آیه ۴۰



فصل اول:
فلسفه قیام
اباعبداللہ الحسین علیہ السلام



سؤال اصلی: چرا قیام؟

یک درس اصلی در حرکت و قیام امام حسین علیه السلام وجود دارد. چرا قیام کرد؟ این درس است. به امام حسین علیه السلام می گفتند با یزید کاری نداشته باشید. یزید هم با شما کاری نداشته باشد! این همه مرید، این همه شیعیان؛ زندگی کنید، عبادت و تبلیغ کنید! چرا قیام کردید؟ قضیه چیست؟ این آن سؤال اصلی است. این آن درس اصلی است.^۱

هدف شهادت یا حکومت؛ یا هیچ کدام؟!

بنده به نظرم این طور می رسد: کسانی که گفته اند «هدف، حکومت بود» یا «هدف، شهادت بود»، میان هدف و نتیجه، خلط کرده اند. خیر؛ هدف، این ها نبود. امام حسین علیه السلام، هدف دیگری داشت؛ منتها رسیدن به آن هدف دیگر، حرکتی را می طلبید که این حرکت، یکی از دو نتیجه را داشت: «حکومت» یا «شهادت».

البته حضرت برای هر دو هم آمادگی داشت، اما هیچ کدام هدف نبود، بلکه دو نتیجه بود. هدف، چیز دیگری است. هدف چیست؟ اگر بخواهیم هدف امام حسین علیه السلام را بیان کنیم، باید این طور

۱. خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آفتاب در مصاف، صفحه: ۳۸۱، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران، ۱۳۹۲ ه. ش. بیانات ۱۳۷۴

بگوئیم که هدف آن بزرگوار عبارت بود از انجام دادن يك واجب عظیم از واجبات دین، واجبی که در بنای کلی نظام فکری و ارزشی و عملی اسلام، جای مهمی دارد؛ امام حسین علیه السلام باید این واجب را عمل می کرد، تا درسی برای همه ی تاریخ باشد. مثل اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حکومت تشکیل داد؛ تشکیل حکومت درسی برای همه ی تاریخ اسلام شد و فقط حکمش را نیاورد. یا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، جهاد فی سبیل الله کرد و این درسی برای همه ی تاریخ مسلمین و تاریخ بشر تا ابد شد. این واجب هم باید به وسیله ی امام حسین علیه السلام انجام می گرفت تا درسی عملی برای مسلمانان و برای طول تاریخ باشد.^۱

پاسخ اینجاست: نظام اسلامی

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و هر پیغمبری وقتی که می آید، يك مجموعه احکام می آورد. این احکام، بعضی فردی است و برای این است که انسان خودش را اصلاح کند؛ بعضی اجتماعی است و برای این است که دنیای بشر را آباد و اداره کند و اجتماعات بشر را به پا بدارد؛ مجموعه ی احکامی که به آن نظام اسلامی می گویند. خُب؛ اسلام بر قلب مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، حکومت اسلامی و جامعه ی اسلامی تشکیل شد، اقتصاد اسلامی پیاده شد، جهاد اسلامی برپا و زکات اسلامی گرفته شد؛ يك کشور و يك نظام اسلامی شد. مهندس این نظام و راهبر این قطار در این خط، نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آن کسی است که به جای او می نشیند. خط هم روشن و مشخص است. باید جامعه ی اسلامی و فرد اسلامی از

۱. همان

این خط، بر روی این خط و در این جهت و از این راه حرکت کند، که اگر چنین حرکتی هم انجام گیرد، آن وقت انسان‌ها به کمال می‌رسند، انسان‌ها صالح و فرشته‌گون می‌شوند، ظلم در میان مردم از بین می‌رود؛ بدی، فساد، اختلاف، فقر و جهل از بین می‌رود؛ بشر به خوشبختی کامل می‌رسد و بنده‌ی کامل خدا می‌شود. اسلام این نظام را به وسیله‌ی نبی اکرم ﷺ آورد.

سؤالی در اینجا باقی می‌ماند و آن اینکه: اگر این قطاری را که پیغمبر اکرم ﷺ بر روی این خط به راه انداخته است، دستی یا حادثه‌ای آمد و آن را از خط خارج کرد، تکلیف چیست؟ اگر جامعه‌ی اسلامی منحرف شد؛ اگر این انحراف به جایی رسید که خوف انحراف کلّ اسلام و معارف اسلام بود، تکلیف چیست؟^۱

کدام انحراف قیام را واجب می‌کند؟

دو نوع انحراف داریم. يك وقت مردم فاسد می‌شوند - خیلی وقت‌ها چنین چیزی پیش می‌آید - اما احکام اسلامی از بین نمی‌رود؛ لیکن يك وقت مردم که فاسد می‌شوند، حکومت‌ها هم فاسد می‌شوند، علما و گویندگان دین هم فاسد می‌شوند! از آدم‌های فاسد، اصلاً دین صحیح صادر نمی‌شود. قرآن و حقایق را تحریف می‌کنند؛ خوب‌ها را بد، بد‌ها را خوب، منکر را معروف و معروف را منکر می‌کنند! خطّی را که اسلام - مثلاً - به این سمت کشیده است، صد و هشتاد درجه به سمت دیگر عوض می‌کنند!

اگر جامعه و نظام اسلامی به چنین چیزی دچار شد، تکلیف چیست؟

۱. همان

در جوامعی که انحراف به حدّی پیش می‌آید که خطر انحراف اصل اسلام است، خدا تکلیفی دارد؛ جامعه در زمان پیغمبر ﷺ و زمان امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام که به آن شکل منحرف نشده است. در زمان امام حسن علیّ علیه السلام که معاویه در رأس حکومت است، اگرچه خیلی از نشانه‌های آن انحراف پدید آمده است، اما هنوز به آن حدّی نرسیده است که خوف تبدیل کلی اسلام وجود داشته باشد. شاید هم بشود گفت در برهه‌ای از زمان، چنین وضعیتی هم پیش آمد؛ اما در آن وقت، فرصتی نبود که این کار انجام گیرد [یعنی] موقعیت مناسبی نبود.^۱

واجب‌تر از همه واجبات؛ حتی حکومت!

این حکمی که جزو مجموعه‌ی احکام اسلامی است، اهمّیتش از خود حکومت کمتر نیست؛ چون حکومت، یعنی اداره‌ی جامعه. اگر جامعه بتدریج از خط، خارج و خراب و فاسد شد و حکم خدا تبدیل شد؛ اگر ما آن حکم تغییر وضع و تجدید حیات - یا به تعبیر امروز، انقلاب، اگر آن حکم انقلاب - را نداشته باشیم، این حکومت به چه دردی می‌خورد؟ پس اهمّیت آن حکمی که مربوط به برگرداندن جامعه‌ی منحرف به خط اصلی است، از اهمّیت خود حکم حکومت کمتر نیست. شاید بشود گفت که اهمّیتش از جهاد با کفار بیشتر است؛ شاید بشود گفت اهمّیتش از امر به معروف و نهی از منکر معمولی در یک جامعه‌ی اسلامی بیشتر است؛ حتی شاید بشود گفت اهمّیت این حکم از عبادات بزرگ الهی و از حج بیشتر

۱. همان

است. چرا؟ به خاطر اینکه در حقیقت این حکم، تضمین کننده‌ی زنده شدن اسلام است؛ بعد از آنکه مُشرف به مردن است، یا مرده و از بین رفته است.^۱

موقعیت مناسب قیام یعنی چه؟

خُب؛ چه کسی باید این حکم را انجام دهد؟ چه کسی باید این تکلیف را به جا بیاورد؟ یکی از جانشینان پیغمبر ﷺ، وقتی در زمانی واقع شود که آن انحراف، به وجود آمده است. البته به شرط اینکه موقعیت مناسب باشد؛ چون خدای متعال، به چیزی که فایده ندارد، تکلیف نکرده است. اگر موقعیت مناسب نباشد، هرکاری نکنند، فایده‌ای ندارد و اثر نمی‌بخشد. باید موقعیت مناسب باشد. البته موقعیت مناسب بودن هم معنای دیگری دارد؛ نه اینکه بگوییم چون خطر دارد، پس موقعیت مناسب نیست؛ مراد این نیست. باید موقعیت مناسب باشد؛ یعنی انسان بدانند این کار را که کرد، نتیجه‌ای بر آن مترتب می‌شود؛ یعنی ابلاغ پیام به مردم خواهد شد، مردم خواهند فهمید و در اشتباه نخواهند ماند. این، آن تکلیفی است که باید يك نفر انجام می‌داد. در زمان امام حسین ﷺ، هم آن انحراف به وجود آمده، هم آن فرصت پیدا شده است. پس امام حسین ﷺ باید قیام کند.^۲

از این انحراف بالاتر؟!

در زمان امام حسین ﷺ، انحراف پیدا شده است؛ برای اینکه بعد

۱. همان

۲. همان

از معاویه کسی به حکومت رسیده است که حتی ظواهر اسلام را هم رعایت نمی‌کند! شُرب خمر و کارهای خلاف می‌کند؛ تعرّضات و فسادهای جنسی را واضح انجام می‌دهد؛^۱ علیه قرآن حرف می‌زند؛ علناً شعر برخلاف قرآن و برّرد دین می‌گوید^۲ و علناً مخالف با اسلام است! منتها چون اسمش رئیس مسلمان هاست، نمی‌خواهد اسم اسلام را براندازد. او عامل به اسلام، علاقه‌مند و دلسوز به اسلام نیست؛ بلکه با عمل خود، مثل چشمه‌ای که از آن مرتّب آب گندیده تراوش می‌کند و بیرون می‌ریزد و همه‌ی دامنه را پر می‌کند، از وجود او آب گندیده می‌ریزد و همه‌ی جامعه‌ی اسلامی را پر خواهد کرد! حاکم فاسد، این‌گونه است؛ چون حاکم در رأس قلّه است و آنچه از او تراوش کند، در همان جا نمی‌ماند. چنین کسی با آن فساد، بعد از معاویه، خلیفه‌ی مسلمین شده است! خلیفه‌ی پیغمبر! از این انحراف بالاتر؟!^۳

امام حسین (علیه السلام) و یک فرصت طلایی

در زمان امام حسین (علیه السلام)، زمینه هم آماده است. زمینه آماده است. یعنی چه؟ یعنی خطر نیست؟ چرا؛ خطر که هست. مگر ممکن است کسی که در رأس قدرت است، در مقابل انسان‌های معارض، برای آنها خطر نیافریند؟ جنگ است دیگر. شما می‌خواهی او را از تخت قدرت پایین بکشی و او بنشیند تماشا کند! بدیهی است که او هم به شما ضربه می‌زند. پس خطر هست. اینکه می‌گوییم موقعیت

۱. أنساب الأشراف، ج ۵، صص ۲۸۶-۲۸۸؛ مروج الذهب، ج ۳، صص ۶۷-۶۸.

۲. روضة الواعظین، ص ۱۹۱؛ تذکرة الخواص، صص ۲۶۰-۲۶۱.

۳. آفتاب در مصاف، صفحه: ۳۸۱.

مناسب است؛ یعنی فضای جامعه‌ی اسلامی طوری است که ممکن است پیام امام حسین علیه السلام به گوش انسان‌ها در همان زمان و در طول تاریخ برسد. اگر در زمان معاویه، امام حسین علیه السلام می‌خواست قیام کند، پیام او دفن میشد. این به خاطر وضع حکومت در زمان معاویه است. سیاست‌ها به گونه‌ای بود که مردم نمی‌توانستند حَقَّانیت سخن حق را بشنوند. لذا همین بزرگوار، ده سال در زمان خلافت معاویه، امام بود،^۱ ولی چیزی نگفت؛ کاری، اقدامی و قیامی نکرد؛ چون موقعیت آنجا مناسب نبود.

قبلش هم امام حسن علیه السلام بود. ایشان هم قیام نکرد؛ چون موقعیت مناسب نبود؛ نه اینکه امام حسین علیه السلام و امام حسن علیه السلام، اهل این کار نبودند. امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرقی ندارند. امام حسین و امام سجاد علیهما السلام فرقی ندارند. امام حسین و امام علی النقی و امام حسن عسکری علیه السلام فرقی ندارند. البته وقتی که این بزرگوار، این مجاهدت را کرده است، مقامش بالاتر از کسانی است که نکردند؛ اما این‌ها از لحاظ مقام امامت یکسانند. برای هر یک از آن بزرگواران هم که پیش می‌آمد، همین کار را می‌کردند و به همین مقام می‌رسیدند.^۲

رابطه تکلیف و خطر

خُب؛ امام حسین علیه السلام هم در مقابل چنین انحرافی قرار گرفته است. پس باید آن تکلیف را انجام دهد. موقعیت هم مناسب است؛ پس دیگر عذری وجود ندارد. لذا عبدالله بن جعفر و محمد بن حنفیه

۱. دلائل الإمامة، ص ۱۷۷

۲. آفتاب در مصاف، صفحه: ۳۸۱

و عبدالله بن عباس - این ها که عامی نبودند، همه دین شناس، آدم های عارف، عالم و چیزفهم بودند - وقتی به حضرت می گفتند که «آقا! خطر دارد، نروید»^۱ می خواستند بگویند وقتی خطری در سر راه تکلیف است، تکلیف، برداشته است. آنها نمی فهمیدند که این تکلیف، تکلیفی نیست که با خطر برداشته شود. این تکلیف، همیشه خطر دارد. آیا ممکن است انسان، علیه قدرتی آن چنان مقتدر - به حسب ظاهر - قیام کند و خطر نداشته باشد؟! مگر چنین چیزی می شود؟!^۲

کربلا و انقلاب: هدف یکسان؛ نتیجه متفاوت

این تکلیف، همیشه خطر دارد. همان تکلیفی که امام بزرگوار انجام داد. به امام هم می گفتند: «آقا! شما که با شاه درافتاده اید، خطر دارد.» امام نمی دانست خطر دارد؟! امام نمی دانست که دستگاه امنیتی رژیم پهلوی، انسان را می گیرد، می کشد، شکنجه می کند، دوستان انسان را می کشد و تبعید می کند؟! امام این ها را نمی دانست؟! کاری که در زمان امام حسین (علیه السلام) انجام گرفت، نسخه ی کوچکش هم در زمان امام ما (ره) انجام گرفت؛ منتها آنجا به نتیجه ی شهادت رسید، اینجا به نتیجه ی حکومت. این همان است؛ فرقی نمی کند. هدف امام حسین (علیه السلام) با هدف امام بزرگوار مایکی بود. این مطلب اساس معارف حسین (علیه السلام) است. معارف حسینی، بخش عظیمی از معارف شیعه است. این پایه ی مهمی

۱. نامه ی عبدالله بن جعفر به امام، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶؛ گفتگوی محمد بن حنفیه با امام، اللهوف،

صص ۳۹-۴۰؛ گفتگوی عبدالله بن عباس با امام، بحار الأنوار، ج ۴۴، صص ۳۶۴-۳۶۵

۲. آفتاب در مصاف، صفحه: ۳۸۱

است و خود یکی از پایه های اسلام است.^۱

خلاصه ماجرا

هدف عبارت شد از بازگرداندن جامعه ی اسلامی به خطّ صحیح. چه زمانی؟ آن وقتی که راه، عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کسانی، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم آماده است. پس می توانیم این طور جمع بندی کنیم، بگوییم: امام حسین علیه السلام قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه ی اسلامی، یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه ی اسلامی است، انجام دهد. این از طریق قیام و از طریق امر به معروف و نهی از منکر است؛ بلکه خودش يك مصداق بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. البته این کار، گاهی به نتیجه ی حکومت می رسد؛ امام حسین علیه السلام برای این آماده بود؛ گاهی هم به نتیجه ی شهادت می رسد؛ برای این هم آماده بود.

«وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا»؛^۲ یعنی کسانی اشتباه نکنند و تبلیغاتچی ها تبلیغ کنند که امام حسین علیه السلام هم مثل کسانی که این گوشه و آن گوشه خروج می کنند برای اینکه قدرت را به چنگ بگیرند - برای خودنمایی، برای عیش و ظلم و فساد - وارد میدان مبارزه و جنگ می شود! کار ما از این قبیل نیست؛ «وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي»^۳ عنوان این کار، همین

۱. همان

۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹، «ومن برای سرکشی و عداوت و فساد کردن و ظلم نمودن از مدینه خارج

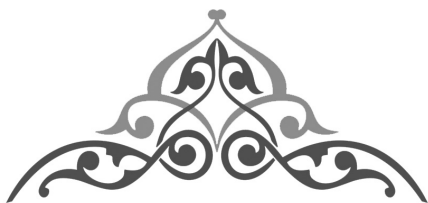
نشدم.»

۳. همان، «و جز این نیست که من به منظور ایجاد اصلاح در میان امت جدم خارج شدم.»

اصلاح است؛ می خواهیم اصلاح کنیم. این همان واجبی است که قبل از امام حسین علیه السلام، انجام نگرفته بود. این اصلاح، از طریق خروج است؛ خروج، یعنی قیام. حضرت در این وصیت نامه، این را ذکر کرد؛ تقریباً تصریح به این معناست؛ یعنی اولاً، می خواهیم قیام کنیم و این قیام ما هم برای اصلاح است، نه برای این است که حتماً باید به حکومت برسیم، نه برای این است که حتماً باید برویم شهید شویم؛ نه، می خواهیم اصلاح کنیم. البته اصلاح، کار کوچکی نیست. يك وقت شرایط طوری است که انسان به حکومت میرسد و خودش زمام قدرت را به دست می گیرد؛ يك وقت نمی تواند این کار را بکند - نمی شود - شهید می شود. در عین حال، هر دو قیام برای اصلاح است. بعد می فرماید: «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بَسِيرَةَ جَدِّي».^۱ این اصلاح، مصداق امر به معروف و نهی از منکر است.^۲

۱. همان، «در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و مطابق سیره ی جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار نمایم.»

۲. آفتاب در مصاف، صفحه: ۳۸۱



فصل دوم:
اربعین و زیارت

امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند:

«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَوَاتُ إِحْدَى وَخَمْسِينَ وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَالتَّخَتُّمُ بِالْيَمِينِ وَتَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ مومن پنج علامت دارد: پنجاه و یک رکعت نماز [در شبانه روز]، زیارت اربعین، انگشت در دست راست کردن، پیشانی بر خاک گذاشتن و «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند گفتن.^۱

حقیقت ماجرای اربعین

این چهل روزی که از عاشورا تا اربعین اتفاق افتاده، یکی از مقاطع بسیار مهم تاریخ اسلام است. روز عاشورا در اوج اهمیت است و این چهل روزی هم که بین عاشورا و اربعین هست، تالی تلو روز عاشورا است. اگر روز عاشورا اوج مجاهدت همراه با فداکاری - فدا کردن جان، فدا کردن عزیزان، فرزندان و یاران - است، این چهل روز، اوج مجاهدت همراه با «تبیین»، همراه با افشاگری، همراه با توضیح [است]. اگر این چهل روز نمی بود، اگر حرکت عظیم زینب کبری علیها السلام و جناب ام کلثوم و حضرت سجاد علیه السلام نمی بود، شاید آن فقره‌ی «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةُ الضَّلَالَةِ» اتفاق نمی افتاد. این حرکت عظیم، این صبر فوق العاده‌ی خاندان پیغمبر

۱. إقبال الأعمال، ج ۳، ص ۱۰۰

به پیشوایی زینب کبری علیها السلام و امام سجاد علیه السلام بود که توانست حادثه‌ی کربلا را ماندگار کند و به معنای واقعی کلمه این «تبیین» مکمل آن فداکاری بود.^۱

ماجرای اربعین هم يك مقابله و مقاومت مقابل رژیم استکباری است. یعنی حرکت خاندان امام حسین علیه السلام از هر جا که بودند - از شام یا از مدینه - به کربلا، برای زنده کردن حادثه‌ی عاشورا، حادثه‌ی مقاومت و حادثه‌ی شهادت بود؛ این حوادث به هم پیوند خورده است. چیزی که ما از معانی بی شمار این حوادث می توانیم امروز برای پیشرفت انقلاب مان استفاده کنیم، چند نکته است. يك نکته این است که مقاومت در برابر قدرت های شیطانی، زمان و مکان و قشر معینی از جامعه و شرایط گوناگون اجتماعی و جهانی نمی شناسد. این همان رازی است که به سبب عدم توجه به آن، خیلی ها در تاریخ گذشته و هم در تاریخ ما دچار سازشکاری و محافظه کاری و عقب نشینی در برابر قدرت ها شدند؛ چون این راز را نمی شناختند. یعنی این احساس را نداشتند که مقاومت و اصرار بر ارزش های پذیرفته شده، شرایط مساعد و نامساعد نمی شناسد؛ همیشگی است، همه جایی است و همه کسی است.^۲

شرط قبولی زیارت

شخصی به نام حمزه بن حمران می گوید: روزی امام صادق علیه السلام درباره زیارت امام رضا علیه السلام فرمودند:

۱. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

۲. آفتاب در مصاف، صفحه: ۱۳۵، ۱۲/۰۸/۱۳۶۴

«یکی از نوه‌های من در شهری به نام طوس، از توابع سرزمین خراسان کشته می‌شود، هرکس که با معرفت به حَقّش او را زیارت کند، من با دست خودم در روز قیامت او را می‌گیرم و به بهشت داخلش می‌سازم، اگرچه از اهل معاصی کبیره باشد.» به آن حضرت گفتم: فدایت شوم، شناخت و معرفت حق او چیست؟ ایشان فرمودند: «شناخت حق او این است که بداند او امامی واجب‌الاطاعه است و غریب و شهید است. هرکس با شناخت حَقّش او را زیارت کند، خدای عزوجل اجر هفتاد شهید از شهدایی را که پیش روی رسول خدا ﷺ در دفاع از او، از روی حقیقت به شهادت رسیده‌اند، به او عطا می‌کند.»^۱

قبولی زیارت معنایش این است که آن فیضی که از ملاقات این ولیّ خدا به ملاقات‌کننده می‌رسد، آن فیض به شما برسد؛ این معنای قبولی زیارت است. اگر بخواهید این فیض به شما برسد، شرط اول این است که با حضرت «ملاقات» کنید؛ یعنی رفتنِ حرم و آمدن، صرف رفتن به یک مکان و بیرون آمدن نباشد؛ آنجا یک موجودی و یک روح‌الایّی حضور دارد؛ به این حضور توجه بکنید؛ ولو حالا شما آن شخص زیارت‌شده را، یعنی آن کسی که می‌خواهید با او ملاقات کنید، به چشم نمی‌بینید، لیکن «به چشم دیدن» که لازمه ملاقات نیست؛ او هست و سخن شما را می‌شنود، حضور شما را می‌بیند، شخص شما را می‌بیند. با او حرف بزنید؛ این شد زیارت. زیارت یعنی همین ملاقات. ما وقتی می‌آییم سراغ شما و خانه شما،

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴

[در واقع] آمده ایم به زیارت شما؛ معنای زیارت این است. خب، انسان وقتی به ملاقات کسی می رود، با او احوال پرسشی می کند، به او سلام می کند؛ همین در ملاقات روح مطهر ائمه علیهم السلام و اولیاء الهی [هم] لازم است؛ باید رفت، سلام کرد، عرض ادب کرد.^۱

برادران عزیز! آنچه ما وظیفه داریم، این است که خود را شایسته ی انتساب به آن خاندان کنیم. البته منتسب بودن به خاندان رسالت و از جمله ی وابستگان آن ها و معروفین به ولایت آن ها بودن، دشوار است. در زیارت می خوانیم که ما معروفین به دوستی و محبت شما هستیم؛ این وظیفه ی مضاعفی را بر دوش ما می گذارد؛ ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیک کنیم؛ و نزدیک شدن به مرکز نور، لازمه و خاصیتش، نورانی شدن است. باید با عمل، و نه با محبت خالی، نورانی بشویم؛ عملی که همان محبت و همان ولایت و همان ایمان، آن را به ما املاء می کند و از ما می خواهد. با این عمل، باید جزو این خاندان و وابسته ی به این خاندان بشویم.^۲

زیارت با معرفت یعنی چه؟

شنیده اید زیارت با معرفت قیمت دارد و زیارت بی معرفت نه. مقصود چیست؟ آن کسی که حسین بن علی علیه السلام را زیارت می کند و می فهمد چه می کند؛ چه کسی را زیارت می کند و می فهمد که اعلام حمایت از حسین علیه السلام، اعلام بیزاری از کیست؛ می فهمد به سوی حسین علیه السلام رفتن، پشت کردن به کیست و می فهمد در کنار حسین علیه السلام قرار

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از پاسداران سپاه حفاظت ولی امر و خانواده های آنان در

مشهد مقدس، ۱۳۸۲/۰۱/۰۶

۲. همان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۵

گرفتن، چه تکلیفی را روی دوش انسان می گذارد؛ زیارتش، زیارت با معرفت است. خیلی ها نمی دانستند حسین علیه السلام یعنی چه؟ شهادت و جهاد و راه ابا عبد الله علیه السلام را نمی فهمیدند. از کربلا عبور کرده بودند؛ می گفتند چیزی هم در اینجا بخوانیم یا تماشایی هم بکنیم. آن هم زیارت بود، اما زیارت کم ارزش؛ چون بدون معرفت انجام می گرفت و از دلی آگاه و عارف بر نمی خاست. کسانی که در جنگ های تاریخ بی اینکه بدانند چه می کنند و برای چه می روند و برای چه می جنگند، جنگ از اول تا آخرش برای آنها خسران است؛ مثل همین بیچاره های غافل که در مقابل نیروهای اسلام قرار گرفتند و می جنگند؛ چه بکشند و چه کشته بشوند. اما کسانی که می دانند چه می کنند و چه حرکت عظیمی را انجام می دهند، خسته نمی شوند.^۱

قال الصادق علیه السلام: يُقْتَلُ حَفَدَتِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ فِي مَدِينَةٍ يُقَالُ لَهَا طُوسٌ مَنْ زَارَهُ إِلَيْهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذَتْهُ يَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَمَا عِزَّافَانُ حَقِّهِ قَالَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ سَبْعِينَ شَهِيداً مِمَّنْ اسْتُشْهِدَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص عَلَى حَقِيقَةٍ؛ نوهی مراد در سرزمین خراسان در شهری به نام طوس می کشند؛ کسی که او را «عارفاً بحقه» زیارت کند، من روز قیامت از او دستگیری می کنم و وارد بهشتش می سازم، هر چند که مرتکب گناهان کبیره شده باشد. راوی گفت: فدایت شوم،

۱. آفتاب در مصاف، صفحه: ۹۹، ۱۴/۱۰/۱۳۶۳

«معرفت به حق ایشان» چیست؟ فرمود: این که بدانی او (امامی است که) پیروی از او واجب است. او غریب است و او شهید است؛ کسی که با شناخت حقش، او را زیارت کند، خدای صاحب عزت و جلال پاداش هفتاد شهید از شهدای راستین در رکاب رسول خدا ﷺ را به او عطا می فرماید.^۱

البته واضح است که در این شرط، میان زیارت اباعبدالله و امام رضا و سایر معصومان (صلوات الله علیهم اجمعین) تفاوتی وجود ندارد:

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَذْنَى مَا يَثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بِشَطِّ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَحُرْمَتَهُ وَوَلَايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ؛ امام موسی بن جعفر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند: آنگاه که زائر، حق و حرمت و ولایت اباعبدالله (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را بشناسد، کمترین ثوابی که به او داده می شود بخشایش گناهان گذشته و آینده ی اوست.^۲

حقیقت زیارت؛ در زیارت به دنبال چه باشیم؟

احیای حق خدا، حق رسول و حق امام

اگر زائر بداند زیارت نه فقط یک تفرج معنوی، بلکه احقاق حق خدا و رسول و امام است، بدون دلیل در این زمینه اهمال نمی کند:

قال صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ ثُمَّ لَمْ يَزِرِ الْحُسَيْنَ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَكَانَ تَارِكًا حَقًّا مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ وَحُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ

۱. امالی صدوق ۱۲۱ م ۲۵ ح ۸

۲. الکافی، ج ۴ ص ۵۸۲

مُسْلِم؛ هر کدام از شما اگر تمام عمرش را به حج برود اما به زیارت حسین بن علی علیه السلام نرود، مطمئناً حقی از حقوق خدا و نیز حقوق رسول خدا صلی الله علیه و آله را ترك کرده است؛ زیرا حق حسین علیه السلام تکلیفی است که از جانب خداوند بر هر مسلمانی واجب شده است.^۱

آری! این حق خدا و مطالبه‌ی اوست که به زیارت سیدالشهدا علیه السلام مُشرف شوی و نیز حق پیامبر صلی الله علیه و آله و مطالبه‌ی امام حسین علیه السلام است. چه افتخاری بالاتر از این؟!

تقرب به خدا و اتصال به پیامبر و امام

شرط عبادت بودن هر عمل نیکی، نیت «قَرَبَةً إِلَى اللَّهِ» است. از طرفی یگانه مجرای تقرب بخدا پیامبر و اهل بیت ایشان (علیه و علیهم السلام) هستند؛ زیرا ایشان ابواب الهی هستند:

قال امیرالمومنین علیه السلام: نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَبُيُوتُهُ الَّتِي تُؤْتَى مِنْهُ؛ ما درهای خداوند و خانه‌هایی هستیم که [برای تقرب بخدا] از ما وارد می‌شوند.^۲

از سوی دیگر، تکریم و تعظیم اهل بیت علیهم السلام که یکی از مصادیق آن زیارت با معرفت ایشان است، مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ ای پیامبر، به مردم بگو: به ازای رسالتم از شما پاداشی نمی‌خواهم، مگر محبت و هواخواهی و حمایت از اهل بیتم.^۳

۱. کامل الزیارات، ص ۱۲۲

۲. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۲۷

۳. سوره شوری، ۲۳

پیامبر اکرم ﷺ هم زیارت اهل بیت (علیهم السلام) را نیکی و صله‌ی رحم به خودشان محسوب نموده و برای زائر بهترین‌ها را در روز قیامت آرزو نموده‌اند:

طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُرِيدُونَ بَزِيَارَتِكُمْ بَرِّي وَصَلَتِي فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جِئْتُهُمْ إِلَى الْمَوْقِفِ حَتَّى آخُذَ بِأَعْضَادِهِمْ فَأَخْلَصَهُمْ مِنْ أَهْوَالِهِ وَشَدَائِدِهِ؛ خواهد آمد آن روزی که گروهی از امت من، بقصد نیکی به من و اتصال با من (صله‌ی رحم) شما (اهل بیت (علیهم السلام)) را زیارت نمایند. پس من در بزنگاه‌های روز قیامت بسراغشان رفته و دستشان را خواهم رفت و آن‌ها را از وحشت‌ها و گرفتاری‌های آن روزها خواهم ساخت.^۱

آری؛ زائر کربلا و اربعین در زیارت سیدالشهدا بدنبال تقرب و رفعت مقام نزد خدا، پیامبر ﷺ و حتی خود ابا عبد الله (علیه السلام) است و چه بجاست که با تمام وجود و از عمق جان بدنبال چنین قصد در زیارت باشد:

فی زیارته علیه السلام: أَنَا يَا سَيِّدِي مُتَقَرَّبٌ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَإِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِلَى أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى أَخِيكَ الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ عَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ بِزِيَارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَلِسَانِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي فَكُنْ يَا سَيِّدِي شَفِيعِي لِقَبُولِ ذَلِكَ مِنِّي؛ سرورم، من با قلب و زبان و اعضای بدنم (با تمام وجود) تو را زیارت می‌کنم و به این وسیله، به خدای متعال، به جدّت رسول الله، به پدرت امیرالمؤمنین، به برادرت امام حسن و نیز به خود تو تقرب می‌جویم.^۲

۱. کامل‌الزیارات، ص ۵۸؛ الاشارات، ج ۲، ص ۱۳۱ (با اندکی اختلاف در نسخه)

۲. زاد المعاد؛ مفاتیح الجنان، ص ۲۹۴

تجدید عهد و میثاق با امام؛ اِنَّا عَلٰی الْعَهْدِ

قرآن کریم شهید را زنده جاوید می داند:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ؛ آنان که در راه خدا شهید شده اند، گمان مبرید که مرده اند، بلکه زنده هستند.

حال اگر آن شهید، امام معصوم باشد چه؟ قبلا هم اشاره شد که یکی از اضلاع زیارت با معرفت یک امام، شهید دانستن اوست. پس امام شهید، همچون امام حی است:

فی زیارته علیه السلام: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ تُرْزَقُ؛ یا ابا عبد الله؛^۱ گواهی می دهم که تو شاهد جایگاهم هستی و کلامم را می شنوی و تو حقیقتاً نزد پروردگارت زنده ای و روزی داده می شوی.

پس تفاوت امام حی و امام شهید در چیست؟ در نوبت امامت است! دیروز امام حسین (علیه السلام) و امروز امام زمان (عج). و الا در اصل امامت، قدرت معنوی داشتن، لزوم معتقد بودن به امامتشان و وجوب اطاعت و البته بیعت نمودن با راه و مرامشان هیچ تفاوتی ندارند. لذا با یک امام شهید نیز همانند یک امام حی باید بیعت کرد. بنابراین اولاً تجدید بیعت با هر امام ولو شهید لازم است.

ثانیاً زیارت، تجدید بیعت و پیمان با امام و اعلام وفاداری شیعه به عهدی است که از سوی امام برگردن او گذاشته شده است: است: قال الباقر (علیه السلام): إِنْ زَيَّارَتَنَا إِنَّمَا هِيَ تَجْدِيدُ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ

۱. آل عمران، ۱۶۹

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۴۵

الْمَأْخُوذُ فِي رِقَابِ الْعِبَاد؛^۱ مطمئناً زیارت ما همان تجدید عهد و پیمانی است که [از جانب خداوند] برعهده‌ی بندگان نهاده شده است.

قال صادق (عليه السلام): إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِّيقًا لِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَيْمَتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۲ هرامامی برگردن دوستان و شیعیان خودش عهد و پیمانی [حق] دارد. به درستی که وفای به آن پیمان، با زیارت قبور ایشان تکمیل شده و حقشان به خوبی ادا می‌شود. پس اگر کسی از روی میل و رغبت و در حالی که خواسته‌های ایشان را تصدیق می‌کند به زیارتشان برود، در روز قیامت مشمول شفاعت ایشان قرار خواهد گرفت.

از همین روست که در کربلا و زیارت اربعین، در انتهای زیارت خطاب به ابا عبد الله (عليه السلام) می‌گوییم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ... أَجَدُّ مَا أَخَذَ اللَّهُ لَكُمْ فِي رَقَبَتِي مِنَ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ وَالْوَلَايَةِ لَكُمْ؛^۳ و اراده‌ام تجدید عهد و پیمان و ادای ولایتی است که خداوند برای شما برعهده‌ی من نهاده اکتب لی عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَعَهْدًا أَنِّي أَتَيْتُكَ أَجَدُّ الْمِيثَاقِ؛^۴ سلام بر تو یا ابا عبد الله... (گواه من باش) و نزد خودت برای من عهد و میثاقی بنویس که همانا من به زیارتت آمدم تا تجدید عهد و پیمان نمایم.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۲۳

۲. کامل الزیارات، ص ۱۲۲

۳. همان؛ بحار الأنوار، ط بیروت، ج ۹۹، ص ۱۹۸

۴. الکافی، ط الاسلامیه، ج ۴، ص ۵۷۷

اعلام آمادگی بر نصرت امام در قیام

اگر در زیارت، حیات امام، و نیز تجدید بیعتش و تازه کردن عهد و پیمان با او را پذیرفتیم، این تجدید بیعت لوازمی دارد. فقط در زبان نمی توان با امام بیعت کرد، بلکه در عمل هم نصرت و یاری او بر ما لازم است. پیگیری اهداف و پیاده سازی برنامه هایی که آن امام در آن راه قدم برداشته و به شهادت رسیده است، نصرت وی محسوب می شود. یاری شدنِ امامِ حی، در راستای نصرت به امام شهید است. بنابراین زیارت باید بقصد یاری همه جانبه به امام باشد:

فی زیارته علیه السلام: أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا أَيُّهَا بَكْمُ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ: شهادت می دهم بر ایمان خود به شما و به سبب احکام دینم و پایان اعمالم، به رجعت و بازگشت شما یقین دارم. قلب من تسلیم قلب شماست و عملم تابع امر شماست و آماده ی نصرت و یاری شما هستم، تا آن زمان که خدا به شما اذن [قیام] دهد. «مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُزْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ؛ منتظر امر شما هستم. تکیه بر سخن شما دارم و عامل به امر شما هستم. من به شما پناه آورده ام. زائر شما هستم.»^۲

وقتی امامی چون صادق آل محمد (علیه السلام) در زیارت اباعبدالله (علیه السلام) این اعلام آمادگی همه جانبه را خدمت سیدالشهدا عرض می کنند،

۱. زیارت اربعین. مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۴

تکلیف ما به عنوان زائر کاملاً مشخص و روشن است:

إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ وَ لِسَانِي عِنْدَ اسْتِصَارِكَ - فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ رَأْيِي وَ هَوَايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ وَ السَّبْطِ الْمُتَجَبِّ وَ الدَّلِيلِ الْعَالِمِ وَ الْأَمِينِ الْمُسْتَحْزَنِ وَ الْمُؤَدَّى الْمُبْلَغِ وَ الْمَظْلُومِ الْمُضْطَّهِدِ جِثَّتِكَ يَا مَوْلَايَ انْقِطَاعاً إِلَيْكَ - وَ إِلَى جَدِّكَ وَ أَيْيِكَ وَ وَلَدِكَ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِكَ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَ رَأْيِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِدِينِهِ وَ يَبْعَثَكُمْ - وَ أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكُمْ الْحُجَّةُ وَ بَكُمْ تُرْجَى الرَّحْمَةُ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ - إِنِّي بِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا أُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَلَا أُكَذِّبُ مِنْهُ بِمَشِيئَةٍ؛^۱ [یا ابا عبد الله] اگر نتوانستم به هنگام استغاثهات تو را با بدنم اجابت نمایم و به هنگام یاری طلب نمودن نتوانستم تو را با زبانم نصرت دهم [اما حالا و در این زمان] با قلبم، با شنیدنم، با دیدنم، با نظرم و با خواسته‌ام تو را اجابت می‌نمایم بگونه‌ای که فرمان بردار و تسلیم جانشین نبی مرسل و فرزند پیامبر برگزیده باشم. هم‌او که راهنمای آگاه، امین نگاه دار، ادا کننده، رساننده و مظلوم مقهور می باشد [یعنی تو]. مولای من! نزدت شرفیاب شدم در حالی که از دیگران به سوی تو و نیز به سوی جد، پدر، برادر و جانشینان از فرزندان بریده حالم. پس قلبم تسلیم شماست و نظرم تابع شماست و خویشتن را آماده یاری شما نموده‌ام تا بدانجا که خداوند بواسطه‌ی دینش حکومت نماید و شما را برانگیزاند.

۱. کامل الزیارات، النص ۲۳۰

زیارت به قصد خشمگین ساختن دشمن

در نزاع حق و باطل همواره چنین بوده و هست که رضای طرفی، خشم طرف مقابل را همراه داشته است. بدیهی است که خشنودی خدا و آل الله هیچگاه مورد رضایت دشمنان نبوده و ناخرسندی خداوند همواره مورد خواست دشمنان بوده است. مگر نه این است که باید زیارت «قربتاً الی الله» و برای کسب رضای خدا، پیامبر ﷺ و اهل بیت باشد؟ خب طبیعتاً عصبانیت و دشمنی مخالفین را نیز بدنبال دارد.

بر همین اساس، در میان اغراض مختلفی در زیارت قصد می شود، عصبانی کردن دشمن و زیارت بقصد مخالفت با آنها لازم است؛ زیرا دین داری چیزی غیر از همین حُب و بغض نیست^۱ و هر مسلمانی از جمله زائر حسینی، دینش به این وسیله کامل می شود:

قال الصادق (علیه السلام): مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ وَأَعْطَى لِلَّهِ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ؛^۲ هر که دوستیش برای خدا و دشمنیش برای خدا باشد... پس او از جمله کسانیست که ایمانشان کامل شده است.

نکته قابل توجه این است که حُب و بُغْض در راه خدا نتیجه نیست و البته امری نیز صرفاً احساساتی نیست. بلکه بخودی خود یک فعل است که مانند هر فعلی نیازمند انگیزه و قصد می باشد. لذا نمی توان گفت که ما کار خودمان را انجام می دهیم و شاد کردن پیامبر و اهل بیت و نیز عصبانی شدن دشمن بخودی خود فراهم خواهد شد.

۱. قال الباقر علیه السلام: هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ؟ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۶۳

۲. الکافی، ج ۲ ص ۱۲۴ ح ۱

بلکه لازم است زائر از روی اراده و نیت، ماهیت زیارت را به عملی در موافقت با خدا و مخالفت با دشمن تکامل بخشد:

قال الصادق (عليه السلام): اللَّهُمَّ... اغْفِرْ لِي وَلِإِخْوَانِي وَزُورِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرِّنا وَرَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا وَسُرُوراً أَذْخَلُوهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ص وَاجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَغِيظاً أَذْخَلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضْوَانَكَ؛ خداوند... من و برادرانم و زائران قبر ابا عبد الله الحسین بن علی را بیامرز؛ آنانکه از روی اشتیاق و در راه نیکی به ما و به امید پاداش هایی که در دوستی و پیوند با ما نزد توست و برای شاد کردن پیامبر تو محمد ص و به علت پذیرش فرمان ما و نیز بخاطر خشمگین ساختن دشمنان ما، دارایی خویش را انفاق می کنند و بدن هایشان را به زحمت می اندازند [و به سوی ما رهسپار شده اند] و از تمام این ها خشنودی تو را می جویند.^۱

البته راضی کردن خدا و خشمگین ساختن دشمن تنها منحصر به موضوع زیارت نیست. بلکه نوعی از حیات و سبکی از زندگیست که تمام شؤون زندگانی فرد را شامل می شود:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... لِيَغْيِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ...؛ محمد (صلی الله علیه و آله) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۸

سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورت‌شان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و برپای خود ایستاده است و بقدری نموّ و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ **این برای آن است که کافران را به خشم آورد.** کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.^۱

آری ثمره‌ی درختِ اسلام و مکتبِ حسینی، یک جوانِ مؤمنِ انقلابی است با هر عملش، خشم دشمن شعله‌ور می‌شود؛ زیرا دشمن خواهان نابودی اسلام است:

«لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارُ»^۲ دشمن مستکبر وقتی به این انسان مسلمان تربیت شده‌ی بالیده‌ی در دامن اسلام نگاه می‌کند، معلوم است که به خشم می‌آید و ناراحت می‌شود. ما باید این جوری عمل کنیم. خود را بسازیم. خود را با قرآن تطبیق دهیم.^۳ رشد عناصر مؤمن، این نهال‌های برومند، این جوان‌های مؤمن، اصلاً برای این است که «لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارُ»، تا دشمن عصبانی بشود؛ از همین هم بیشتر عصبانی‌اند. عصبانی‌اند از جوان‌های عرصه‌ی علم، از

۱. سوره فتح، آیه ۲۹

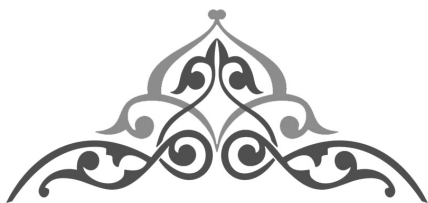
۲. سوره فتح، آیه ۲۹

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در روز میلاد پیامبر اعظم ﷺ، ۱۳۸۹/۱۲/۰۲

جوان‌های عرصه‌ی جهاد، از جوان‌های عرصه‌ی خدمت، از جوان‌های عرصه‌ی نظامی؛ از اینها عصبانی‌اند.^۱ اگر ما دیدیم رفتار ما جوری است که دشمنان دین، دشمنان اسلام، دشمنان حاکمیت قرآن نسبت به ما خشمگین نیستند و از وجود ما ناراحت نیستند، باید در مفید بودن خودمان شک کنیم. اگر امیرالمؤمنین است و آن قاطعیت و آن حرکت و مانند این‌ها، باید [هم] کسانی مثل معاویه یا عمرو عاص یا دیگران از او خشمگین باشند؛ شما هم همین راه را دارید حرکت می‌کنید؛ «لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ».^۲

۱. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۱۳۹۶/۰۶/۰۶



فصل سوم:
وظایف و تکالیف
زائر اربعین

جهاد تبیین؛ بعنوان یک فریضه قطعی و فوری

«جهاد تبیین» یک فریضه ی قطعی و یک فریضه ی فوری است و هر کسی که می تواند [باید اقدام کند].^۱ دشمن در رأس نقشه هایش تبلیغات است؛ به قول خودشان پروپاگاندا است. علاج پروپاگاندا «تبیین» است، تبیین حقیقت از زبان های مختلف، از حنجره های مختلف، با تعبیرات مختلف، با ابتکارات مختلف؛ تبیین. وسوسه ای را که روی آن جوان یا نوجوان اثر می گذارد، چه می تواند برطرف کند؟ باتوم که نمی تواند برطرف کند؛ آن وسوسه را تبیین می تواند برطرف کند. جهاد تبیین را جدی باید گرفت. همه، در حوزه، در دانشگاه، در صداوسیما بالخصوص، در مطبوعات، در هر جایی که شما ایستاده اید و یک شعاع پیرامونی ای دارید و می توانید روی آن اثر بگذارید، باید تبیین انجام بگیرد؛ تبیین درست، تبیین صحیح.^۲ جوان های ما امروز بحمد الله مجهّزند؛ مجهّز به فکر، مجهّز به عقلانیّت، مجهّز به آگاهی های فراوان، و می توانند در این زمینه ها خیلی تلاش کنند. خودتان را آماده کنید، این تجهیزات را در خودتان افزایش بدهید و به معنای واقعی کلمه خودتان را مجهّز کنید و در این

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

۲. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

میدان وارد بشوید: در میدان تبیین و افشاگری، یعنی راهی که زینب کبری علیها السلام در این چهل روز انجام داد. عظمت این چهل روز به خاطر کاری است که این بزرگوار و حضرت سجاد علیه السلام و بقیه ای که اطراف اینها [بودند] انجام دادند و سختی ها را تحمل کردند، و [اگر بخواهیم] با زبان روضه خوانی حرف بزنیم، در واقع در روز اربعین، زینب کبری آمد گزارش کار به امام حسین علیه السلام داد که این کارها را کردیم، این جور رفتیم، این جور تحمل کردیم و این جور بیان کردیم و تبیین کردیم.^۱

زنده نگاه داشتن خون، نام و مرام حسین

اهمیت اربعین از کجاست؟ صرف اینکه چهل روز از شهادت شهید می گذرد چه خصوصیتی دارد؟ اربعین خصوصیتش به خاطر این است که در اربعین حسینی یاد شهادت حسین زنده شد و این چیز بسیار مهمی است. شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می افتاد، یعنی حسین بن علی و بقیه شهیدان در کربلا شهید می شدند، اما بنی امیه موفق می شدند همان طور که خود حسین را و یاران عزیزش را از صحنه روزگار برافکنند و جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کردند، یاد آن ها را هم از خاطره نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کنند، ببینید در این صورت آیا این شهادت فایده ای برای عالم اسلام داشت؟... آیا این خاطره چه اثری و چه نقشی می توانست در رشد و سازندگی و هدایت و برانگیزاندگی ملت ها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟ می بینید، هیچ اثری نداشت.

۱. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

بله، حسین که شهید می شد خود او به اعلیٰ علین رضوان خدا می رسید؛ شهیدانی که کسی نفهمید و در غربت، در سکوت، در خاموشی شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند؛ روح آن ها فتوح و گشایش را در درگاه رحمت الهی به دست آورد؛ اما آیا چقدر درس شدند؟ چقدر اسوه شدند؟ درس، آن شهیدی می شود که شهادت او و مظلومیت او را نسل های معاصر و آینده او بدانند و بشنوند. درس و اسوه آن شهیدی می شود که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر بشود.^۱ گاهی رنج و زحمت زنده نگه داشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج سی ساله امام سجاد علیه الصلوة والسلام و رنج چندین ساله زینب کبری (علیها السلام) از این قبیل است. رنج بردند تا نتوانستند این خون را نگه بدارند. بعد از آن هم همه ائمه (علیهم السلام) تا دوران غیبت، این رنج را متحمل شدند. امروز، ما چنین وظیفه ای داریم.^۲ شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی بخشد و اربعین آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا در آن روز آغاز شد و روز بازماندگان شهداست.^۳

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون از قبیل شهادت حسین بن علی (علیه السلام) در عاشورا، به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل های بعد، از دستاورد

۱. بیانات در جمع برادران ارتش و سپاه، ۱۳۶۳/۰۸/۲۰

۲. بیانات در دیدار جمعی از خانواده های شهدا ۱۳۷۶/۰۲/۱۷

۳. بیانات در جمع برادران ارتش و سپاه، ۱۳۶۳/۰۸/۲۰

شهادت استفاده زیادی نخواهند برد؛ ما هستیم که با تصمیم درست و بجا، می‌توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه شهادت را احیا کنیم و زنده نگه داریم؛ درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت.^۱

داشتن موضع روشن در برابر دشمن

در زیارت مخصوصه‌ی روز اربعین می‌خوانیم:

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ^۲؛ کسی که با شماست، پس با شماست و نه با دشمن شما.

در سایر زیارات نیز چنین معترف می‌شویم که:

أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا أَتَيْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةٍ مَّنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَّكُمْ وَلَا وَلِيَّائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ وَسَلِّمٌ لِّمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِّمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِّمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَّكُمْ... فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ... بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ... وَمِنْ كُلِّ وَلِيَجَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَمِنْ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ؛^۳ خدا و شما را گواه می‌گیرم که من به شما و آنچه شما به آن ایمان دارید ایمان دارم. دشمن دشمنانتان و منکر آنچه شما منکر

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با قشرهای مختلف مردم، ۱۳۶۸/۰۶/۲۹.

۲. زیارت اربعین؛ تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، ج ۶، ص ۱۱۴.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۵ تا ۲۷۶.

آنید هستم، به جایگاه شما و به گمراهی مخالفان تان بصیرم، دوست شما و دوستانتانم، نسبت به دشمنان شما غضبناکم و دشمنشان هستم. کسی که با شما در سلم و صلح است من هم با او چنین هستم و سر جنگ دارم با کسی که با شما سر جنگ دارد. هرچه را شما حق بدانید حق می دانم و هرچه را شما باطل بشناسید باطل می شناسم... پس [وقتی] با شمایم، با شمایم، نه با دشمن شما. به شما ایمان آوردم... بیزار و متنفرم از دشمنان تان و از جبت و طاغوت و از شیاطین و حزب شان که درباره شما ستم کردند... و همچنین بیزارم از هر معتمدی غیر شما و از هر فرمانروایی به جز شما و نیز از پیشوایان و سرسلسله هایی که به دوزخ دعوت می کنند.» این اقرارها تکیه بر تکلیفی دارد که سیدالشهدا (علیه السلام) برای همگان و از جمله زوار اربعین مشخص نمودند:

مِثْلِي لَا يَبَإِئُ مِثْلَهُ؛ همچو منی با همچو یزیدی بیعت (مشایعت و همراهی) نمی کند!¹

بنابراین زائر حقیقی اباعبدالله (علیه السلام) اولاً باید دشمن زمانش را بشناسد و در وهله دوم، موضعی روشن و خصمانه علیه او داشته باشد: ما داعیه ی محو نظام سلطه را داریم؛ یعنی رابطه ی سلطه گری: سلطه گر و سلطه پذیر.² ما با دشمنان، با استکبار سرآشتی نداریم و با برادران مسلمان بنای بر دشمنی و عداوت نداریم؛ بنای بر دوستی و رفاقت و برادری داریم؛ چون معتقدیم باید «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵

۲. بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه ها ۱۳۸۹/۰۴/۰۲

رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ»^۱ بود؛ این درس امام بزرگوار ما است؛ این خط مسلم جمهوری اسلامی است؛ مسئله، مسئله‌ی اصول اسلام است: «کُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا.»^۲ این دستور اسلام است. این راه ما است؛ این خط ما است»^۳.

دشمنی دائمی بادشمنان

در زیارت عاشورا، شما به امام حسین (علیه السلام) عرض می‌کنید: «یا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ اِنِّی سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ اِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ اِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ» یعنی چه؟ یعنی این کارزار میان جبهه‌ی حسینی و جبهه‌ی یزیدی تمام نشدنی است؛ این کارزار ادامه دارد. جبهه‌ی حسینی خودش را معرفی کرده؛ امام حسین (علیه السلام)، در همین سفر کربلا، در چند جا مشخص کرده که حرفش چیست، هدفش چیست. فرمود: اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ قَالَ مَنْ رَاَی سُلْطٰنًا جَآئِرًا؛ مسئله، مسئله‌ی ظلم است، مسئله‌ی جُور است. مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللّٰهِ نَاكِثًا لِّعَهْدِ اللّٰهِ ... یَعْمَلُ فِی عِبَادِ اللّٰهِ بِالْجَوْرِ وَ الْعُدْوَانِ؛ مسئله این است. این جبهه‌ی حسینی است که در مقابله‌ی با ظلم فَعَالِیَّت می‌کند و جهاد می‌کند. نقطه‌ی مقابله‌ی هم جبهه‌ی جُور است، جبهه‌ی ظلم است، جبهه‌ی شکستن عهد الهی است. امروز شما در دنیا این را می‌بینید، قبل از دوران امام حسین (علیه السلام) هم این دوجبهه‌ای وجود داشت، در زمان بعد از ایشان هم وجود داشته، امروز هم وجود دارد، تا آخر هم وجود خواهد داشت. در همه‌ی اینها «اِنِّی سِلْمٌ لِمَنْ

۱. سوره فتح، آیه ۲۹

۲. «دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید.»، نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۷

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۴/۰۵/۲۶

سَالَمَكُمْ»؛ با هر کسی که در جبهه‌ی شما است، من خوبم؛ «حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ»، با هر کسی که با جبهه‌ی شما می‌جنگد، می‌جنگم. این جنگ اشکال مختلفی دارد؛ در دوران شمشیر و نیزه یک جور است، در دوران اتم و هوش مصنوعی و امثال این‌ها یک جور دیگر است، ولی هست؛ در دوران تبلیغات به وسیله‌ی شعر و قصیده و حدیث و بیان کلمات یک جور است، در دوران اینترنت و کوانتوم و امثال این‌ها هم یک جور دیگر است، ولی هست؛ در دوران دانشجو بودن انسان یک جور است، در دوران مدیر شدن و مسئول شدن یک جور دیگر است؛ در همه‌ی احوال هست. «حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ» نباید فراموش بشود. «حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ» همیشه به معنای تفنگ به دست گرفتن نیست؛ به معنای درست اندیشیدن، درست سخن گفتن، درست شناسایی کردن، دقیق به هدف زدن است؛ «حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ» این جوری است. بدانید وظیفه چیست، بشناسید راهی را که باید پیمایید. اگر این جور فکر کردیم، این جور شناسایی کردیم، این جور همت کردیم، زندگی معنا پیدا می‌کند، زندگی هدف پیدا می‌کند. پول لایق این نیست که هدف زندگی باشد؛ مقام و قدرت و موقعیت‌های اجتماعی حقیرتر از آن هستند که هدف زندگی انسان قرار بگیرند. هدف زندگی بندگی است، رسیدن به خدا است. راهش هم فقط همین است: سِلِّمْ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ^۱.

معیت با ولی خدا و ثبات قدم در آن

از جمله درخواست‌های پُر تکرار زواریاب عبد الله (علیه السلام) این است که:

۱. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۳/۰۶/۰۴

فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَرَزَقَنِي
الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ
يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صَدَقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۱ از خدایی
که مرا با معرفت به شما و دوستانتان گرامی داشت و نیز نفرت
از دشمنانتان را روزی ام نمود چنین می خواهم که مرا در دنیا
و آخرت همراه شما گرداند و همچنین در دنیا و آخرت به من
ثبات قدمی استوار نزد شما عنایت بفرماید.

بلائی که گریبانگیر اُمت معاصر با سید الشهداء را گرفت، ارتداد و
بازگشت از میانه‌ی راه بود:

قال الصادق (عليه السلام): اِزْدَدَ النَّاسُ بَعْدَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ الْإِثْلَاثَةَ...
بعد از شهادت امام حسین مردم همگی دچار عقبگرد و
رویگردانی شدند مگر سه نفر...^۲

لذا زائر در یک زیارت، درخواست معیت با امام و ثابت قدم ماندن
در همراهی با ولی خدا را مجدداً درخواست می نماید:

اللَّهُمَّ الزُّزْفَنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ لِي قَدَمَ صَدَقٍ
عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهْجَهُمْ
دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۳ خداوندا در روز قیامت شفاعت
امام حسین را روزی ام نما و مرا در همراهی با امام حسین و
اصحاب ایشان ثابت قدم و استوار بدار. اصحابی که خون
قلبشان را فدای امام حسین (علیه السلام) نمودند.

«از چشم خدا افتادن» و «سلب توفیق الهی در نصرت دین خدا و

۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورای معروفه.

۲. علامه محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۰

۳. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورای معروفه

انتقال آن به سایر اُمت‌ها» خطریست که هر مسلمان و هز زائر حسینی را تهدید می‌نماید. لذا معیت و ثبات قدم در آن لازمه‌ی مسلمان ماندن است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست.

بنابراین درس خاصّ اربعین برای همه‌ی پیروان، داشتن روح استقامت و بازنگشتن از میانه‌ی راه است.

خون خواهی و مطالبه‌ی حق امام

«وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا؛^۲ کسی که مظلومانه و به ناحق کشته شود به ولیّ دم او حق و اختیار [در قصاص] دادیم.»
اولاً امروز امام زمان عجل الله تعالی فرجه ولیّ دم سیدالشهدا علیه السلام است. از سویی در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

۱. سوره مائده، ۵۴

۲. سوره اسراء، ۳۳

«إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِيٌّ لِمَنْ
وَالَاكُمْ»

مصادقِ کامل «لِمَنْ وَالَاكُمْ» حجت بن الحسن علیه السلام است که زائر
اعلام پیوستگی و «ولی» بودن نسبت به او می نماید. در نتیجه
مطالبه حق امام بواسطه ی وجوب خونخواهی برای آن حضرت،
امری واجب و اجتناب ناپذیر است. از همین رو در زیارت عاشورا
دو مرتبه اعلام بیعت شده و هر بار بعد از بیعت، اعلام آمادگی برای
خونخواهی شده است:

- فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي
طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ...

- وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ
مِنْكُمْ^۱

هیچ مؤمن متعهدی شک نمی کند که مطالبه خون و حقِ امام یک
تکلیف مسلم است و روی زمین مانده است؛ زیرا خون ابا عبد الله علیه السلام
هنوز از جوش و خروش نیفتاده است. چنانچه آن حضرت، خودشان
فرمودند:

«يَا وَلَدِي يَا عَلِيُّ وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمُهَدِّيَّ
فَيَقْتُلَ عَلَيَّ دَمِي مِنَ الْمُتَافِقِينَ الْكَفَرَةِ الْفَسَقَةِ سَبْعِينَ أَلْفًا؛^۲ (در
وابسین لحظات از حیات مبارکشان، امام سجاد را در آغوش
گرفته و فرمودند: ای فرزندم علی، سوگند به خدا خون من از

۱. مفاتیح الجنان، زیارت معروفه ی عاشورا

۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹

جوشیدن نخواهد ایستاد تا خدای توانا مهدی را برانگیزاند.
پس آنگاه هفتاد هزار نفر از منافقان کافر مسلک فاسق را
به جرم خون من خواهد کشت.»
بنابراین یکی از مهمترین انگیزه‌های زائر باید خون خواهی و مطالبه‌ی
حق سیدالشهدا (علیه السلام) باشد.

آمادگی برای بذل جان و مال (شهادت طلبی)

«أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» آیا
مردم می‌پندارند که به صرف ایمان زبانی از امتحان الهی مُعاف
می‌شوند؟! ماقطعا پیشینیان ایشان را مورد ابتلا و امتحان قرار دادیم؛
پس مشخص شد که راستگو کیست و دروغگو چه کسی است.»
برخی طرفدار اسلام بی‌دردسرنند. به همین دلیل تکالیفی که جان و
مال و احیاناً ناموسشان را به خطر می‌اندازد را جزو دین نمی‌دانند.
امام حسین (علیه السلام) را نیز امامی می‌دانند که زیارتش تکلیف آور نیست،
حاجت می‌دهد و با قطره اشکی از ما راضی می‌شود! حال آنکه
چنین امامی را خود آن حضرت هم قبول ندارد! نگاهی گذرا به نحوه
قیام و شهادت ایشان منکر این توهم است.

ایشان در گام اول از حرکت شان، شرط همراهی با خود را دست شستن
از جان و آمادگی برای شهادت اعلام فرمودند:

مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ

مَعْنَا؛^۱ هر کس که آماده بذل جان و ملاقات با خداست،

پس با ما بیاید.»

اساساً معرفتِ در زیارت یعنی همین که زائر بداند «پیرو حسین بودن بی دردسر نیست و خون می خواهد» و البته برای این امر نیز آمادگی کسب نماید. مسئله ای که اباعبدالله (علیه السلام) در تحلیل شخصیتی مردمان معاصر با خود، ایشان را فاقد این مهم معرفی می نمایند:

إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعَقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحِصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ؛^۲ همانا مردم دنیا پرستند و دین لقلقه ی زبانشان است (از حدّ زبانشان فراتر نمی رود). تا زمانی که کارشان روبه راه شود، دین دارند اما همین که در بوته آزمایش قرار می گیرند، دینداران اندک شوند.

آمادگی برای بذل جان و مال، عیار و ارزش زیارت را بالا برده و آن را تبدیل به تجدید میثاق و اعلام جان نثاری می کند. زیارت این چنینی ان شاء الله مقبول است و الاّ باید بازگشت:

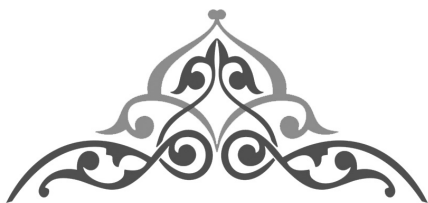
أَيُّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ وَ طَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَإِلَّا فَلْيَنْصَرِفْ عَنَّا؛^۳ ای مردم، هر کس از شما که تحمل تیزی شمشیر و ضربت نیزه ها را دارد با ما بماند، والا ما را رها کرده و برگردد.

در واقع شهادت طلبی لازمه ی طی نمودن مسیر حسینی (علیه السلام) است که باید آن را در خود ایجاد کرد.

۱. لهوف سید بن طاووس، ص ۶۱

۲. تحف العقول، ۲۴۵

۳. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۶۲



فصل چہارم؛ اربعین و گفتمان مقاومت

بخش اول؛ گفتمان سازی مقاومت

هستی شناسی مقاومت آگاهانه

معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می داند، راه درست می داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است.^۱ بعضی خیال می کنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه طلبی و اقتدار طلبی بین المللی و منطقه ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ این جوری نیست. در لاک دفاعی نمی رویم، در موضع انفعال قرار نمی گیریم، بلکه مادر موضع «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»^۲ قرار می گیریم. در موضعی قرار می گیریم که در این آیه ی شریفه از آن تعبیر شده است به «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»؛ «تُرْهَبُونَ بِهِ» یعنی چه؟ «تُرْهَبُونَ بِهِ» همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» می گویند.^۳

تبارشناسی مقاومت آگاهانه

مقاومت می تواند قدرت های استکباری را به زانو درآورد؛ چنان که مقاومت امام و مقاومت ملت ایران پیش از انقلاب و بعد از پیروزی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در سی امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

۲. سوره انفال، آیه ۶۰

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دانشگاه افسری امام حسین (علیه السلام)، ۲۰/۰۲/۱۳۹۶

انقلاب توانست قدرت های استکباری را به زانو در بیاورد. این مقاومت آگاهانه، درس عمومی است. معلّم بزرگ این مقاومت آگاهانه، حسین بن علی علیه السلام است.^۱ امام حسین علیه السلام معلّم مقاومت آگاهانه است؛ مقاومت آگاهانه؛ مقاومتی که می داند می خواهد چه کند و هدفش چیست. این بایستی برای ملت ها، دولت ها، شخصیت ها و ملت انقلابی خودمان اسوه و الگو باشد.^۲ ماجرای اربعین هم يك مقابله و مقاومت مقابل رژیم استکباری است؛ یعنی حرکت خاندان امام حسین علیه السلام از هرجا که بودند - از شام یا از مدینه - به کربلا، برای زنده کردن حادثه ی عاشورا، حادثه ی مقاومت و حادثه ی شهادت بود؛ این حوادث به هم پیوند خورده است.^۳

چرایی و ضرورت مقاومت

تنها راه ما برای دفاع از اسلام و انقلاب، ایستادگی و مقاومت است. ایستادگی، برای حال و آینده ی ملت، برکات زیادی دارد. همین مقاومت و ایستادگی شما، إن شاء الله مشکلات رایکی پس از دیگری برطرف خواهد کرد.^۴ ملت فلسطین، ملت عراق، ایران و ملت های دیگر، همه به چشم خودشان دیدند که راه مقاومت و ایستادگی، تنها راه پیروزی است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ و لو مقاومت کننده يك گروه كوچك باشد؛ و لو آن قدرتی که در مقابل آن مقاومت می شود، ارتش درجه ی يك دنیا باشد و از طرف امریکا هم حمایت بشود. هرچه باشد،

۱. آفتاب در مصاف، صفحه: ۶۱ - ۱۳۶۲/۰۲/۲۶

۲. همان

۳. همان، بیانات در ۱۳۶۴/۰۸/۱۲

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقشار مختلف مردم آباءه، شال و تاکستان، هرسین و صحنه،

بویین زهرا و...، ۱۳۶۸/۰۶/۲۲

این يك راز و سنت الهی است. ایستادگی وسیله‌ی پیروزی است، منتها کسانی که مقاومت می‌کنند، باید از خطرات مقاومت نترسند.^۱

لزوم گفتمان سازی نظریه‌ی مقاومت

نظریه‌ی مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب‌نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریه‌ی مقاومت، یک نظریه‌ی اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید [ترویج شود]. معنای نظری این است که تبیین کنید. شما جوان‌ها خیلی خوب می‌توانید این نظریه‌ی مقاومت را تبیین کنید؛ هم در بین خودتان و هم محیطی که در آنجا قرار دارید. این را که هدف استکبار سیطره است، هدف استکبار سلطه است، سلطه‌ی بر ملت‌ها است، برای همه تبیین کنید، بدانند که هدف استکبار این است. از لحاظ عملی، جریان مقاومت را ما حقّ جوان‌ها می‌دانیم؛ جوان‌های عراق، جوان‌های سوریه، جوان‌های لبنان، جوان‌هایی در شمال آفریقا، جوان‌هایی در مناطق شبه‌قاره و اطراف آنها، یک مشت جوان‌هایی هستند که در مقابل آمریکا مقاومت می‌کنند، ایستاده‌اند؛ حقّ این‌ها است، ما حقّ این‌ها می‌دانیم؛ تقویت این جریان‌ها به معنای تقویت نظریه‌ی مقاومت است.^۲

موتور محرکه‌ی مقاومت و ارکان تداوم آن

سید الشهداء علیه الصّلاة و السّلام، می‌دانست که بعد از شهادت او،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۵/۰۷/۲۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲.

دشمن تمام فضای جامعه و دنیای آن روز را از تبلیغات بر ضد او پر خواهد کرد. امام حسین (علیه السلام)، کسی نبود که زمان و دشمن را شناسد. می دانست دشمن چه خباثت هایی خواهد کرد. در عین حال، این ایمان و امید را داشت که همین حرکت مظلومانه و غریبانه او، بالأخره دشمن را هم در کوتاه مدت و هم در بلند مدت شکست خواهد داد. و همین طور هم شد. خطاست اگر کسی خیال کند که امام حسین (علیه السلام)، شکست خورد. کشته شدن، شکست خوردن نیست. در جبهه جنگ آن کس که کشته می شود شکست نخورده است. آن کس که به هدف خود نمی رسد، شکست خورده است.

هدف دشمنان امام حسین (علیه السلام)، این بود که اسلام و یادگارهای نبوت را از زمین براندازند. این ها شکست خوردند. چون این طور نشد. هدف امام حسین (علیه السلام) این بود که در برنامه یکپارچه دشمنان اسلام، که همه جا را به رنگ دلخواه خودشان در آورده بودند یا قصد داشتند در آورند، رخنه ایجاد شود؛ اسلام و ندای مظلومیت و حقانیت آن در همه جا سر داده شود و بالأخره دشمن اسلام، مغلوب شود. و این، شد. هم در کوتاه مدت امام حسین (علیه السلام) پیروز شد و هم در بلند مدت.^۱

منطق مقاومت آگاهانه

دو شرط مقاومت و آگاهی، هر دو باید باشد. مقاومتِ نا آگاهانه، فساد ایجاد خواهد کرد؛ مثل آگاهانه مقاومت نکردن. چه مقاومت نباشد، چه آگاهی نباشد، هر دو بد است. باید جوان های ما که در جبهه های جنگ مقاومت می کنند، بدانند این مقاومت برای چیست.^۲

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردمی، ۱۳۷۱/۰۴/۱۰

۲. همان، بیانات ۱۳۶۲/۰۲/۲۶

امام رحمه الله مقاومت را از روی هیجان زدگی انتخاب نکرد، از روی احساسات زودگذر انتخاب نکرد؛ پشتمانه‌ی انتخابِ مقاومت از سوی امام بزرگوار ما یک پشتمانه‌ی منطقی است، پشتمانه‌ی عقلانی است، پشتمانه‌ی علمی است و البته پشتمانه‌ی دینی؛ منطق، پشت سرِ ایستادگی امام و مقاومتِ امام وجود دارد؛ حالا من چند جزء از اجزای این منطق را عرض می‌کنم.

الف) واکنش طبیعی در مقابل زورگویی

«یک جزء این منطق این است که مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است؛ دلیل دیگری لازم ندارد. هر ملتی که برای شرف خود، برای هویت خود، برای انسانیت خود ارزش قائل است، وقتی ببیند یک چیزی را می‌خواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت می‌کند، امتناع می‌کند، ایستادگی می‌کند؛ خود این، یک دلیل مستقل و قانع‌کننده است.»^۱

ب) موجب عقب نشینی دشمن

«دوم: مقاومت موجب عقب نشینی دشمن می‌شود، بر خلاف تسلیم. وقتی که دشمن به شما زور می‌گوید، اگر شما یک قدم به عقب برداشتید، او جلو می‌آید؛ بدون تردید. راه اینکه او جلو نیاید، این است که شما بایستید. ایستادگی و مقاومت کردن در مقابل زیاده خواهی دشمن و زورگیری دشمن و باج خواهی دشمن، راه جلوگیری از پیش آمدنِ او است؛ پس صرفه با مقاومت است. خود ما هم همین جوری هستیم و تجربه‌ی خود ما در جمهوری

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴

اسلامی همین را نشان می دهد. به طور کلی بگوییم: هر جا ما ایستادگی کردیم و مقاومت کردیم، توانستیم پیش برویم؛ هر جا تسلیم شدیم و طبق میل طرف مقابل حرکت کردیم، ضربه خوردیم.^۱

در مقابل دشمن، «عقب نشینی» مشوق دشمن است؛ در مقابل دشمن، «ایستادگی» موجب عقب رفت دشمن است. «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْوَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ این سنت الهی است: اگر چنانچه در مقابل ظلم و استبداد و زورگویی و خباثت ها و جنایت های جنایتکاران عالم بایستید، قطعاً مجبور به عقب نشینی می شوند؛ این قرآن کریم است.^۳

ج) کم هزینه تر از تسلیم و سازش

«بخش سوم از منطق مقاومت، این است که مقاومت البته هزینه دارد، بدون هزینه نیست، اما هزینه ی تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه ی مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم می شوید، باید هزینه بدهید. امروز دولت سعودی همین جور است؛ هم پول می دهد، هم دلار می دهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع گیری می کند، هم توهین می شنود؛ به او می گویند «گاوشیرده»!

هزینه ی سازش، هزینه ی تسلیم، هزینه ی عدم مقاومت، از هزینه ی مقاومت به مراتب بیشتر است؛ هزینه ی مادی هم دارد، هزینه ی معنوی هم دارد.^۴ تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

۲. سوره فتح، آیه ۲۲

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۲۵/۰۷/۱۳۹۷

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

لگد مال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی هویت شدن هیچ اثری ندارد؛ این را بایستی همه بدانند. این قانون لایتخلف پروردگار است که فرمود: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكُمُ أَعْمَالُكُمْ؛ سست نشوید، دعوت به سازش با دشمن نکنید، خدای متعال شما را برتر قرار داده است و برتر هستید»^۱ «وَلَنْ يَتْرُكُمُ» - یعنی «لَنْ يَنْقُصَكُمْ» - خدای متعال برای شما کم نمی‌گذارد در مقابل مجاهدتی که انجام داده‌اید، پاداش این مجاهدت را به طور کامل به شما خواهد داد.^۲

د) مایه‌ی پیروزی نهایی

بخش چهارم و عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه‌گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی، این بخش قرآنی وعده‌ی الهی است. خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرف داران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت می‌کند. ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند؛ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ»^۳ تا آخر آیه؛ آیه‌ی دیگر: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۴ آیه‌ی دیگر: «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۵ آیات فراوان قرآن همه همین عاقبت را نوید می‌دهند به آن کسانی که در راه مقاومتند. این هم یک استدلال. یک

۱. سوره محمد، آیه ۳۵

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه السلام)،

۱۳۹۷/۰۴/۰۹

۳. سوره قصص، آیه ۵

۴. سوره محمد، آیه ۷

۵. سوره حج، آیه ۴۰

بخشی از استدلال قوی و منطق قوی امام همین آیات است.^۱

ه) امری شدنی و ممکن

نکته ی پنجم - که برای منطق مقاومت باید در نظر داشت، این است که مقاومت یک امر ممکن است؛ درست نقطه ی مقابل فکر غلطِ کسانی که می گویند و تبلیغ می کنند که «آقا! فایده ای ندارد؛ چطور می خواهید مقاومت کنید؟ طرف، گردن کلفت است، طرف قوی است.» خطای بزرگ، اینجاست! خطای بزرگ، این است که کسی تصوّر کند که در مقابل گردن کلفت های عالم نمی شود مقاومت کرد، نمی شود ایستاد، خلاصه اش این است که باید سواری بدهیم؛ سواری بدهیم و خیال خودمان را راحت کنیم. من عرض می کنم که این نگرش که بگویند «ما نمی توانیم» اشتباه در محاسبه است. خطای محاسباتی در هر قضیه ای ناشی از این است که ما عوامل گوناگون این قضیه را درست نبینیم. آنجایی که بحث بر سر یک مقابله است، بر سر یک برخورد دو جبهه با یکدیگر است، خطای محاسباتی از اینجا ناشی می شود که ما جبهه ی خودمان را هم درست نشناسیم، جبهه ی مقابل را هم درست نشناسیم؛ وقتی شناختیم، در محاسبه اشتباه می کنیم؛ اگر درست شناختیم، محاسبه ی ما جور دیگری خواهد بود. من عرض می کنم که ما در محاسباتی که باید در مسئله ی مقاومت در مقابل زورگویان عالم داشته باشیم، باید حقایق مربوط به این زورگویان را درست بدانیم، حقایق مربوط به خودمان را هم بدانیم. یکی از این حقایق، «قدرت مقاومت» است.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در سی امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

بخش دوم؛ زائر اربعین و مسئله فلسطین

خدمت مردم غزه و فلسطین به قرآن و اسلام

امروز بلندترین پرچم اسلام در دست ملت فلسطین و مردم غزه است و به برکت این مقاومت زمینه ترویج بیش از پیش اسلام فراهم آمده است؛ یکی از دغدغه‌های همیشگی متفکرین اسلامی چگونگی ترویج اسلام و ارائه یک الگواز جامعه اسلامی بود. گرایش روزافزون به اسلام در مقطع فعلی نشان دهنده عظمت ایستادگی ملت فلسطین و مردم غزه است.^۱ این مقاومتی که نیروهای مقاومت در داخل غزه انجام دادند و دشمن را مأیوس کردند از اینکه بتواند آنها را از بین ببرد، ناشی از نیروی اسلام بود. این صبری که مردم مظلوم غزه بر این بمباران‌ها و بر این فشارها از خودشان نشان دادند، ناشی از ایمان اسلامی بود. پس ایمان اسلامی اینجا بارز شد؛ جوری شد که طبق خبرهایی که دادند و قاعدتاً شنیده‌اید، در کشورهای غربی، در خود آمریکا، در خود اروپا، بسیاری از جوان‌ها رفتند دنبال قرآن که ببینند چه چیزی در این قرآن هست که موجب می‌شود مردم معتقد به آن، این جور در مقابل این مشکلات دهشتناک و عظیم بتوانند مقاومت

۱. دیدار آقای اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس و آقای زیاد النخالة دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با رهبرانقلاب، ۱۴۰۳/۰۵/۰۹

کنند. اسلام خودش را نشان داد.^۱ این خاصیت صبر و توکل است. مردم غزه با ایستادگی خودشان اسلام را ترویج کردند. در اطراف دنیا، انسان های جستجوگر می خواهند ببینند این عاملی که مبارز فلسطینی را این جور در صحنه نگه می دارد چیست، این اسلام چیست. اسلام را معرفی کردند؛ در خیلی از چشم ها، قرآن را محبوب کردند.^۲

بی آبرو شدن غرب و فرهنگ غربی توسط مردم غزه

حادثه ی غزه، تمدن غربی را و فرهنگ غربی را در دنیا رسوا کرد؛ نشان داد که تمدن اینها یک تمدنی است که در آن، آن چنان بی رحمی ای رواج دارد و مجاز است که جلوی چشم داریم می بینیم بیمارستان را می زنند، در یک شب صدها نفر را به قتل می رسانند، در ظرف سه چهار ماه نزدیک به سی هزار نفر را - که اغلب آن ها هم زن و کودک هستند - در یک منطقه ای به قتل می رسانند.^۳ تمدن غرب، تمدنی که با ریاکاری، با نفاق، با دروغ گویی، دائم از بشرو حقوق بشر و حقوق انسان و از این حرف ها دم می زند و با اعدام یک مجرم مخالفند - یک نفر یک جرمی کرده، فرض کنید چند نفر را کشته، می خواهند قصاصش کنند، اعدامش کنند، سروصدایشان بلند می شود که «آقا! اعدام، اعدام» - سی هزار نفر در طول سه چهار ماه به دست رژیم صهیونیستی اعدام می شوند، اینها چشم هایشان را می بندند، کأنه اتفاقی نیفتاده! بعضی هایشان - همه هم نه - در

۱. بیانات در دیدار دست اندرکاران دومین کنگره ۲۴ هزار شهید استان خوزستان؛ ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

۲. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور؛ ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

زبان می‌گویند که چرا مثلاً اسرائیل چنین می‌کند، کشتار می‌کند؛ زبانی یک چیزی می‌گویند، اما در عمل پشتیبانی می‌کنند، اسلحه می‌دهند، کالاهای مورد نیازش را می‌دهند و آمریکا با وقاحت تمام، برای بار چندم، قطعنامه‌ی قطع بمباران مردم را وتو می‌کند! اینجا تمدن غرب خودش را نشان داد؛ تمدن غرب این است. فرهنگ غرب، تمدن غرب، این ظاهرهای اتوکشیده‌ی سیاستمداران غربی، باطنش این است؛ ظاهر یک ظاهر با لبخند، باطن یک سگ هار، یک گرگ خونخوار. این تمدن غرب است؛ این لیبرال دموکراسی غرب است؛ نه لیبرالند، نه دموکراتند، دروغ می‌گویند و با نفاق دارند کار خودشان را پیش می‌برند.^۱

دولت‌های غربی ذات شریر تمدن غربی را علناً به دنیا نشان دادند. ماها می‌گفتیم، منتقدین تمدن غربی بارها تکرار می‌کردند، می‌گفتند که این تمدن بر پایه‌ی شرارت بنا شده، بر پایه‌ی جدایی و عناد با معنویت و فضایل معنوی و ارزشهای معنوی بنا شده است؛ از آن انتظار خیر نمی‌شود داشت؛ این را همه می‌گفتند، اما در مسئله‌ی غزه و فلسطین، خود دولت‌های غربی این ذات شریر را در مقابل چشم همه‌ی دنیا قرار دادند؛ نشان دادند که این تمدن چه تمدنی است؛ کودک می‌کشند در آغوش مادر، بیمار می‌کشند در بیمارستان؛ زورشان به مقاومت و مردان مقاومت نمی‌رسد، می‌افتند به جان خانواده‌ها، به جان کودکان و مظلومان، به جان پیرمردها؛ سی و چند هزار انسان بی‌دفاع را در این شش ماه، اینها به قتل رساندند. کجا هستند آن کسانی که آهنگ ناهنجارشان درباره‌ی حقوق بشر گوش دنیا را کر

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران دومین کنگره ۲۴ هزار شهید استان خوزستان؛ ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

می‌کند؟ کجایند؟ چرا اینجا را نمی‌بینند؟ اینها بشر نیستند؟ این‌ها حقوق ندارند؟^۱

غزه و فلسطین مسئله‌ی اول جهان اسلام

امروز مسئله‌ی غزه، مسئله‌ی اول دنیا است.^۲ امروز در رأس مسائل دنیای اسلام، مسئله‌ی فلسطین و همین حوادثی است که در غزه دارد اتفاق می‌افتد؛ همه‌ی اینها حوادث آینده‌سازی است.^۳ یک روز موضوع فلسطین، صرفاً یک موضوع کشورهای اسلامی بود؛ امروز مسئله‌ی فلسطین و مسئله‌ی غزه، یک مسئله‌ی عمومی جهانی است. این مسئله امروز از داخل کنگره‌ی آمریکا تا سازمان ملل تا المپیک پاریس تا همه‌جا، دیگر، انتشار و گسترش دارد.^۴ اینکه مسئله‌ی فلسطین بشود مسئله‌ی اول، در کجا؟! در لندن، در پاریس، در کشورهای اروپایی، در واشینگتن، چیز کوچکی نیست. تسلطی که صهیونیست‌ها در طول این سال‌ها بر دستگاه‌های رسانه‌ای دنیا داشتند، چیزی نیست که اجازه بدهد به نفع فلسطین و علیه آنها صدایی پخش بشود؛ امروز این صدا در همه‌ی دنیا دارد پخش می‌شود.^۵

فلسطین؛ کلید رهایی سایر ملت‌ها

ملت‌های مسلمان می‌خواهند آزادی و کرامت و پیشرفت و عزت

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

۲. بیانات در دیدار معلمان، ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

۳. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای استان لرستان، ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

۴. بیانات در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

۵. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

را در سایه‌ی اسلام به دست آورند؛ ملت‌های مسلمان از سلطه‌ی دو‌یست‌ساله‌ی بیگانگان و استعمارگران به ستوه آمده و از فقر و ذلت و عقب‌ماندگی تحمیلی خسته شده‌اند. ما حق داریم و می‌توانیم تحقیر و تکبر دولت‌های سلطه‌گر را به خودشان برگردانیم؛ این احساس صادق ملت‌های ما و نسل کنونی دنیای اسلام از شرق آسیا تا قلب آفریقا است و این، میدان جهادی پیچیده و متنوع و دشوار و بلندمدت است، و اگر فلسطین را پرچم این جهاد بنامیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. امروز همه‌ی دنیای اسلام باید قضیه‌ی فلسطین را قضیه‌ی خود بدانند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید. فلسطین باید به ملت فلسطین برگردد.^۱

بی‌سابقه‌ترین جنایات در کربلای غزه

جنایتی که در غزه دارد انجام می‌گیرد - تا آنجایی که ما در تاریخ دوره‌های اواخر سراغ داریم؛ حالا آن گذشته‌های دور را درست نمی‌دانم - بی‌سابقه است؛ این جور جنایت کردن، این جور کشتار دسته‌جمعی، نسل‌کشی، حمله‌ی به زنان، حمله‌ی به کودکان، حمله‌ی به بیماران، حمله‌ی به بیمارستان‌ها، این فجایعی که در بیمارستان‌ها صورت گرفته، اصلاً چیزهای عجیبی است. جوری شده است که پرورش‌یافتگان در فرهنگ غربی، در اروپا و در خود کشور آمریکا هم می‌آیند با فریاد اعتراض می‌کنند؛ در حالی که خیلی از خبرها هم بخوبی به آنها نمی‌رسد، اما همان مقداری که اطلاع دارند

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۰۱/۲۵

اعتراض می‌کنند. جنایت این قدر شدید است.^۱

رژیم صهیونیستی زشت‌ترین چهره‌ی یک باند جنایت‌کار را دارد از خودش ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد. این‌ها دولت نیستند؛ این‌ها یک باند جنایت‌کارند، یک باند قاتلند، یک باند تروریستند. این‌ها در ترور و قساوت و جنایت - جنایت‌های عجیب و غریب - نصاب جدیدی را در تاریخ جنایت‌کاری بشر در دنیا به جا گذاشتند؛ یک نصاب جدیدی به وجود آوردند.^۲ از حد گذرانده‌اند تبهکاری را؛ واقعاً از حد گذرانده‌اند! بنده هیچ به یاد ندارم، سراغ ندارم این جور حرکتی را که متعمدانه و با هدف‌گیری خاص، مظلومین را، کودکان را، مریض‌ها را، خبرنگارها را، بیمارستان‌ها را، آمبولانس‌ها را بزنند؛ یعنی واقعاً این خیلی چیز عجیبی است، این خیلی شقاوت فوق‌العاده‌ای می‌خواهد که این باند و این گروه تبهکار خبیث [از آن] برخوردارند.^۳ هرگز این جور سفاکی، این جور جنایتگری، این جور خونخواری در این دوره‌ی تاریخی‌ای که اشاره کردم دیده نشده؛ این جور کودک‌کشی، این جور بمب‌سنگ‌رشن را روی سر بیماران بیمارستان‌ها انداختن، این جور بی‌رحمی، این جور خباثت، بی‌نظیر است و دیده نشده.^۴

تلاش دشمن برای منحرف کردن اذهان از مسئله فلسطین

سعی می‌شود مسائل مربوط به فلسطین به فراموشی سپرده بشود؛ ملت‌های مسلمان نباید اجازه بدهند؛ نباید اجازه بدهند. با

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

۲. بیانات در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

۳. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان ارشد سه قوه؛ ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

۴. بیانات در دیدار مردم «کرمان» و «خوزستان»، ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

شایعه‌های گوناگون، با حرف‌های گوناگون، با پیش آوردن مسائل جدید، حرف‌های جدید بی‌ربط و بی‌معنی سعی می‌کنند ذهن‌ها را از مسئله‌ی فلسطین منصرف کنند. ذهن‌ها نباید از مسئله‌ی فلسطین منصرف بشود. جنایتی که رژیم صهیونیستی در غزه، در فلسطین انجام می‌دهد، چیزی نیست که قابل صرف نظر کردن باشد؛ همه‌ی دنیا باید در مقابلش بایستند.^۱ در سطح بین‌المللی، صهیونیست‌ها و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی‌شان هر کار هم می‌کنند که مسئله‌ی غزه را از دستور کار افکار عمومی دنیا خارج کنند نمی‌توانند.^۲ تسلطی که صهیونیست‌ها در طول این سال‌ها بر دستگاه‌های رسانه‌ای دنیا داشتند، چیزی نیست که اجازه بدهد به نفع فلسطین و علیه آن‌ها صدایی پخش بشود؛ امروز این صدا در همه‌ی دنیا دارد پخش می‌شود. پول هم خرج می‌کنند، فریاد هم می‌زنند، دفاع هم می‌کنند، [اما] مردم دنیا علیه این‌ها هستند، مخالف صهیونیست‌هایند. این‌ها مسائل مهمی است؛ باید با چشم عبرت به این‌ها نگاه کرد. یک حادثه‌ای دارد اتفاق می‌افتد.^۳

مقابله با انحراف اذهان عمومی در خصوص غزه

نباید بگذاریم این مسئله از نگاه عمومی بین‌المللی مردم دنیا و از این مسئله‌ی اول بودن، خارج بشود؛ باید فشار روی رژیم صهیونیستی روزه‌روز افزایش پیدا کند.^۴ بخشی از امت اسلامی در قالب یک ملت مظلوم در چنگال يك گرگ خون‌خوار و خون‌ریزی دست‌وپا می‌زند؛

۱. بیانات در دیدار کارگران؛ ۲۰/۰۲/۱۴۰۴

۲. بیانات در دیدار معلمان؛ ۱۲/۰۲/۱۴۰۳

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۲۲/۰۱/۱۴۰۳

۴. بیانات در دیدار معلمان؛ ۱۲/۰۲/۱۴۰۳

همه باید به کمک او بشتابند؛ این حرف ما است.^۱ نباید اجازه داده بشود که این مسئله از اولوئیت افکار عمومی مردم دنیا کنار برود. قضیه خیلی قضیه‌ی مهمی است.^۲ خواص در دنیای اسلام وظیفه دارند. خواص علما هستند، دانشمندان هستند، سیاسیون هستند، مطبوعات‌ها هستند؛ می‌بینند که در غزه چه دارد می‌گذرد؛ می‌بینند که آمریکا با پشتیبانی از رژیم صهیونیستی چه ضربه‌ای دارد به انسانیت و بشریت می‌زند.^۳ حقیقتاً مسئله‌ی غزه، امروز یک مسئله‌ی مهمی است؛ رأس مسائل دنیای اسلام است. همه باید واقعاً در این زمینه احساس مسئولیت کنیم.^۴

لزوم جهاد تبیین در قبال مسئله فلسطین

مرز دنیای اسلام امروز در غزه است، نبض دنیای اسلام امروز در غزه می‌زند. آنها ایستاده‌اند در مقابل دنیای کفر، دنیای طاغوت، دنیای استکبار، در مقابل آمریکا؛ طرف آنها فقط رژیم صهیونیستی نیست. رئیس‌جمهور آمریکا صریحاً می‌گوید من یک صهیونیستم راست می‌گویم؛ همان خباثتی که در صهیونیست‌ها وجود دارد در او هم هست؛ همان اهداف پلیدی که در آنها وجود دارد در او هم هست. [مردم غزه] در مقابل این‌ها ایستاده‌اند. باید بدانیم که چه کار باید بکنیم. یکی از خصوصیات همین است که مجاهد تبیین بداند امروز چه چیزی را باید تبیین کند؛ مسئله‌ی روز خودش را بشناسد. امروز شما باید غزه را تبیین کنید، امروز شما باید دشمنی‌های با

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در عید فطر، (۰۷/۰۵/۱۳۹۳)

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام؛ ۱۵/۰۷/۱۴۰۳

۳. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش؛ ۱۶/۱۱/۱۴۰۲

۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۲۲/۰۷/۱۴۰۳

نظام اسلامی را تبیین کنید. انواع و اقسام دشمنی با نظام اسلامی را دارند عمل می‌کنند، اجرا می‌کنند؛ حالا از لحاظ کارهای نظامی و تسلیحاتی و مانند اینها به صلاح خودشان نمی‌دانند، اما از لحاظ قدرت نرم - حالا نه فقط آمریکا، [بلکه] دنباله‌روهای آمریکا و مخالفین اسلام - فیلم می‌سازند، تبلیغات دروغین می‌کنند، علیه اسلام و علیه نظام اسلامی. باید سینه سپر کنید.^۱

با جوانان دیگر کشورها ارتباط بگیرید

جوان‌های ما با هم‌تایان خودشان در کشورهای دیگر تماس داشته باشند؛ دانش‌آموزان ما با دانش‌آموزان کشورهای اسلامی در منطقه، دانشجویان ما با دانشجویان کشورهای اسلامی، کشورهای منطقه و حتی فراتر از منطقه تماس داشته باشید. حقایق را برای آنها روشن کنید؛ آنچه را وظیفه‌ی همه‌ی جوانان دنیا است، همه‌ی جوانان کشورها است، به آنها یادآوری کنید تا یک حرکت عمومی و عظیمی در دنیا علیه استکبار به وجود بیاید.^۲

۱. بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳/۱۰/۱۴۰۲

۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ۱۴۰۳/۸/۱۲



فصل پنجم:
راهبرد مقاومت در جنگ
۱۲ روزه با اسرائیل

بخش اول: آغاز جنگ

عامل آغاز جنگ؛ مقاومت یا مذاکره؟!

این حادثه - حادثه‌ی تهاجم ابلهانه و خباثت آلود رژیم صهیونیستی به کشورمان - در حالی رخ داد که مسئولین دولتی با طرف آمریکایی به طور غیر مستقیم و با واسطه مشغول مذاکره بودند؛ هیچ موضوعی از سوی ایران وجود نداشت که نشانه‌ی این باشد که یک حرکت نظامی یا یک حرکت تندی و سختی وجود دارد. البته از اول حدس زده می شد که در این حرکت خباثت آمیز رژیم صهیونیستی، آمریکا هم دخالت دارد؛ ولی با این حرف های اخیری که این ها می زنند، این حدس روزبه روز تقویت می شود.^۱

اشتباه رژیم صهیونی در آغاز جنگ

رژیم صهیونی در سحرگاه امروز، دست پلید و خون آلود خود را به جنایتی در کشور عزیزمان گشود و ذات خبیث خود را با زدن مراکز مسکونی بیش از گذشته آشکار کرد.^۲

رژیم صهیونیستی اشتباه بزرگی کرد، خطای بزرگی کرد، غلطی کرد و عواقب آن، او را بیچاره خواهد کرد، به توفیق الهی.^۳

۱. دومین پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

۲. پیام خطاب به ملت بزرگ ایران در پی جنایت سحرگاه ۲۳ خرداد رژیم صهیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

۳. نخستین پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی به ایران ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

رویکرد نظام در برابر اشتباه راهبردی رژیم صهیونیستی

رژیم باید منتظر مجازاتی سخت باشد. دست قدرتمند نیروی مسلح جمهوری اسلامی او را رها نخواهد کرد باذن الله. رژیم صهیونی با این جنایت، برای خود سرنوشت تلخ و دردناکی تدارک دید و آن را قطعاً دریافت خواهد کرد.^۱

ملت ایران از خون شهدای گران قدر نخواهد گذشت، از تجاوز به آسمان کشورش صرف نظر نخواهد کرد. نیروهای مسلح ما آماده هستند و مسئولین کشور و همه ی آحاد مردم پشت سر نیروهای مسلحند، باید در مقابل هویت خبیث رذل تروریست صهیونیستی با قدرت عمل کرد؛ باید با قدرت عمل کرد و ان شاء الله با قدرت عمل خواهد شد و با آنها مماشاتی نخواهیم کرد. زندگی برای آنها تلخ خواهد شد، بدون تردید. فکر نکنند که زدند و تمام شد؛ نه، کار را آنها شروع کردند و جنگ به راه انداختند. ما به آنها اجازه نخواهیم داد که از این جنایت بزرگی که انجام دادند، خودشان را سالم خلاص کنند؛ مسلّم، نیروی مسلح جمهوری اسلامی ضربه های سنگینی بر این دشمن خبیث وارد خواهد آورد. ملت عزیز این را بدانند و مطمئن باشند و خاطر جمع باشند که در این زمینه هیچ کوتاهی ای صورت نخواهد گرفت.^۲

۱. پیام خطاب به ملت بزرگ ایران ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

۲. نخستین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

بخش دوم: نتیجه جنگ

پیروزی بر رژیم صهیونیستی

... یکی تبریک پیروزی بر رژیم جعلی صهیونیست. رژیم صهیونی با آن همه هياهو، با آن همه ادّعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی ممکن است بر رژیم وارد بشود، در ذهن آنها و مخیله ی آنها خطور نمی کرد و اتّفاق افتاد. خدا را سپاس می گزاریم که به نیروهای مسلّح ما کمک کرد، توانستند از دفاع چندلایه ی پیشرفته ی آنها عبور کنند و بسیاری از مناطق شهری و نظامی آنها را زیر فشار موشک های خودشان و با تهاجم قویّ سلاح پیشرفته ی خودشان با خاک یکسان کنند!

این یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی است؛ این نشان دهنده ی آن است که رژیم صهیونیستی بداند که تعرّض به جمهوری اسلامی ایران برایش هزینه زاست، هزینه برای او ایجاد می کند، هزینه ی سنگین برای او به وجود می آورد و ایجاد می کند. و بحمدالله این اتّفاق افتاد؛ افتخارش متعلّق به نیروهای مسلّح و مردم عزیزمان است که این نیروهای مسلّح را از درون خود ایجاد کردند، تربیت کردند، پشتیبانی

کردند و دست [قوی] آنها را برای انجام یک چنین کار بزرگی فراهم کردند، قوی کردند.^۱

پیروزی بر آمریکا

آمریکایی‌ها، آنهایی که با سیاست‌های این منطقه آشنا هستند، می‌دانند که ورود آمریکا در این قضیه صد درصد به ضرر او است. آنچه او در این زمینه ضربه خواهد خورد، بمراتب بیشتر است از آنچه ایران ممکن است صدمه بخورد. صدمه‌ی آمریکا اگر ورود نظامی در این میدان بکند، بدون تردید صدمه‌ی جبران‌ناپذیری خواهد بود. ... تبریک دوّم مربوط به پیروزی ایران عزیزمان بر رژیم آمریکا است. رژیم آمریکا وارد جنگ مستقیم شد، چون احساس کرد که اگر وارد نشود، رژیم صهیونیستی بکلی نابود خواهد شد. وارد جنگ شد برای اینکه او را نجات بدهد، لکن هیچ دستاوردی از این جنگ نداشت. به مراکز هسته‌ای ما حمله کردند - که البته این به طور مستقل درخور پیگیری جزائی در دادگاه‌های بین‌المللی است - اما نتوانستند کار مهمی انجام بدهند. رئیس‌جمهور آمریکا در شرح آنچه واقع شده بود بزرگ‌نمایی غیرمتعارفی کرد، معلوم شد که به این بزرگ‌نمایی احتیاج دارد؛ هر کسی می‌شنید آن حرف‌ها را، می‌فهمید که در زیر ظاهر این حرف‌ها یک حقیقت دیگری وجود دارد. کاری نتوانستند انجام بدهند، به مقصودی که داشتند نتوانستند برسند و بزرگ‌نمایی می‌کنند تا حقیقت را بپوشانند و مکتوم نگه دارند. اینجا هم جمهوری اسلامی پیروز شد و متقابلاً جمهوری اسلامی سیلی سختی به گونه‌ی

۱. سومین پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

آمریکا نواخت؛ به یکی از پایگاه‌های مهم آمریکا در منطقه، پایگاه العُدید، حمله کرد و خساراتی وارد کرد. همان کسانی که در آن قضیه بزرگ‌نمایی کرده بودند، در این قضیه سعی کردند کوچک‌نمایی کنند، بگویند هیچ اتفاقی نیفتاده، در حالی که اتفاق بزرگی افتاده بود. اینکه جمهوری اسلامی دسترسی داشته باشد به مراکز مهم آمریکا در منطقه و هر وقت مقتضی دانست علیه آن‌ها اقدام بکند، این حادثه‌ی کوچکی نیست، حادثه‌ی بزرگی است، در آینده هم این حادثه قابل تکرار است؛ در صورتی که تعرضی صورت بگیرد، هزینه‌ی دشمن و هزینه‌ی متعرض قطعاً هزینه‌ی بالایی خواهد بود.^۱

تجلی اتحاد و قدرت ملت ایران

تبریک سوّم تبریک اتحاد و اتفاق فوق‌العاده‌ی ملت ایران است. بحمدالله یک ملت در حدود نود میلیون جمعیت، یکپارچه، یک صدا، شانه‌به‌شانه، در کنار هم، بدون هیچ گونه تفاوتی در خواسته‌ها و در مقاصدی که ابراز می‌کنند، ایستادند، شعار دادند، حرف زدند، از رفتار نیروهای مسلّح حمایت کردند، بعد از این هم همین خواهد بود. ملت ایران بزرگواری خودش را، شخصیت برجسته و ممتاز خودش را نشان داد در این قضیه و نشان داد که در هنگام لازم، یک صدا از این ملت شنیده خواهد شد، و بحمدالله این اتفاق افتاد.^۲

۱. سومین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

۲. سومین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

بخش سوم: عوامل پیروزی در جنگ ۲۱ روزه

تدبیر رهبری در جایگزینی سریع فرماندهان

در حملات دشمن، تنی چند از فرماندهان و دانشمندان به شهادت رسیدند. جانشینان و همکاران آنان بی درنگ وظائف خود را پی خواهند گرفت انشاء الله.^۱

پیوند امت با نظام و امام جامعه

ملت هم پشتیبان ما است، پشتیبان نیروهای مسلح است و جمهوری اسلامی، به اذن الهی، بر رژیم صهیونیستی فائق خواهد شد.^۲

مقاومت و حضور مردم در صحنه

... مطلب اولی که مایلیم عرض بکنم، تمجید از رفتار ملت عزیزمان در این قضیه ای است که اخیراً دشمنان برای کشور پیش آورده اند. ملت ایران نشان داد که هم متین است، هم شجاع است، هم وقت شناس است. این حرکت عظیمی که مردم در روز جشن غدیر به دنیا نشان دادند، حرکت عظیمی بود؛ اجتماعات مردم، راه پیمایی های مردم در همین چند روز، حضورشان در نماز جمعه ها و راه پیمایی شان بعد از نماز، همه ی این ها نشان دهنده ی رشد ملت ایران و قوام عقلانیت

۱. پیام خطاب به ملت بزرگ ایران ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

۲. نخستین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

و معنویت، همراه با شجاعت و وقت شناسی در ملت عزیزمان است. خدا را شکر می‌کنم که بحمد الله این ملت مؤمن را در این حد از توانایی‌ها و امکانات معنوی و مادی قرار داده. من لازم می‌دانم همین جا اشاره کنم به حرکت زیبا و پرمعنایی که آن بانوی مجری تلویزیون در مقابل حمله‌ی دشمن انجام داد: تکبیر گفتن و در واقع، نشانه‌ی قدرت ملت را به همه‌ی دنیا ارائه کردن؛ این حادثه‌ی تاریخی‌ای بود، حادثه‌ی بسیار باارزشی است.^۱

اتحاد مردم

امروز از همه‌ی جناح‌های گوناگون سیاسی کشور و آحاد گوناگون کشور پیام‌های مشابهی صادر شد. همه احساس می‌کنند که باید در مقابل هویت خبیثِ رذلِ تروریستِ صهیونیستی با قدرت عمل کرد.^۲

منطق تسلیم ناپذیری ملت ایران

اخیراً رئیس جمهور آمریکا زبان به تهدید گشوده، ما را تهدید می‌کند؛ هم تهدید می‌کند، هم بایک بیان سخیف و غیر قابل قبولی از ملت ایران صریحاً می‌خواهد که بیایید تسلیم من بشوید! وقتی انسان این چیزها را مشاهده می‌کند، واقعاً تعجب می‌کند. اولاً تهدید را به کسی بکنند که از تهدید آن‌ها می‌ترسد. ملت ایران نشان داده که در مقابل تهدید تهدید کنندگان دچار ترس نمی‌شود. وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛^۳ ملت ایران به این معتقد است. تهدید، در رفتار ملت ایران و در اندیشه‌ی ملت ایران، تأثیر نمی‌گذارد. ثانیاً

۱. دومین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

۲. نخستین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹؛ «و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، که شما برترید»

اینکه به ملت ایران بگویند بیاید تسلیم بشوید، حرف عاقلانه‌ای نیست. افرادِ باخرد که می‌شناسند ایران را، می‌شناسند ملت ایران را، می‌شناسند تاریخ ایران را، هرگز چنین حرفی را بر زبان جاری نمی‌کنند. تسلیم چه چیزی بشوند؟ ملت ایران تسلیم شدنی نیست. ما تعرض به کسی نکردیم و به هیچ وجه تعرض احدی را هم قبول نمی‌کنیم و تسلیم تعرض هیچ کس نمی‌شویم؛ این منطق ملت ایران است، این روحیه‌ی ملت ایران است.^۱

رئیس جمهور آمریکا در یکی از بیاناتش و اظهاراتش گفت ایران باید تسلیم بشود. «تسلیم بشود»! بحث غنی سازی دیگر نیست، بحث صنعت هسته‌ای نیست، بحث تسلیم ایران است. البته این حرف برای دهان رئیس جمهور آمریکا خیلی بزرگ است. ایرانِ با عظمت، ایرانِ با این تاریخ، ایرانِ با این فرهنگ، ایرانِ با این عزم پولادین ملی، اسم «تسلیم» برای یک چنین کشوری مایه‌ی استهزاء کسانی است که ملت ایران را می‌شناسند. لکن این اظهار او یک حقیقتی را لوداد؛ آمریکایی‌ها از اوّل انقلاب با ایران اسلامی مشغول معارضه هستند، پنجه می‌افکنند، هر دفعه‌ای هم یک بهانه‌ای دارند: یک بار حقوق بشر است، یک بار دفاع از دموکراسی است، یک بار حقوق زن است، یک بار غنی سازی است، یک بار اصل مسئله‌ی هسته‌ای است، یک بار مسئله‌ی ساخت موشک است؛ بهانه‌های گوناگونی می‌آورند، اما باطن قضیه یک چیز بیشتر نیست و آن «تسلیم ایران» است. قبلی‌ها نمی‌گفتند این را، چون این قابل قبول نیست؛ در هیچ منطق بشری قابل قبول نیست که به یک ملّتی بگویند بیاید تسلیم

۱. دومین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

بشوید، لذا آن رازیر عناوین دیگری پنهان می کردند. این شخص لو داد آن حقیقت را، نشان داد و فهماند که آمریکایی ها فقط به تسلیم ایران راضی می شوند و نه به کمتر از آن. و این یک نقطه ی مهمی است! ملت ایران بدانند [علّت] معارضه ی با آمریکا این است و این اهانت بزرگ به ملت ایران را آمریکایی ها دارند و چنین اتّفاقی هم هرگز نخواهد افتاد؛ هرگز نخواهد افتاد.

ملت ایران ملت بزرگی است، ایران کشور قوی و پهناوری است، ایران دارای تمدّن کهنی است؛ ثروت فرهنگی و تمدّنی ما صدها برابر بیشتر از آمریکا و امثال آمریکا است. اینکه کسی توقّع کند که ایران تسلیم کشور دیگری بشود، این یکی از آن مهمل گویی های غلطی است که یقیناً مایه ی استهزاء افراد خردمند و افراد دانا واقع خواهد شد. ملت ایران عزیز است و عزیز خواهد بود، پیروز است و پیروز خواهد بود به توفیق الهی.^۱

نه جنگ تحمیلی؛ نه صلح تحمیلی

ملت ایران در مقابل جنگ تحمیلی محکم می ایستد - همچنان که تا حالا ایستاده - در مقابل صلح تحمیلی (هم) محکم می ایستد. ملت ایران در مقابل تحمیل، تسلیم هیچ کس نمی شود.^۲

۱. سومین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

۲. دومین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

بخش چهارم: وظایف مردم و صاحبان فکر

ادامه مسیر مقاومت

من به ملت عزیزمان عرض می‌کنم همین آیه‌ی شریفه را همیشه در نظر داشته باشید. زندگی بحمدالله به طور عادی در جریان است. نگذارید دشمن احساس کند که شما در مقابل او می‌ترسید، احساس ضعف می‌کنید. اگر دشمن احساس کند که شما از او می‌ترسید، دیگر گریبان شما را رها نخواهد کرد. همین رفتاری که تا امروز داشتید، این رفتار را با قوت ادامه بدهید. کسانی که امور خدماتی به عهده‌شان است، کسانی که با مردم سروکار دارند، کسانی که امور تبلیغاتی و تبیینی بر عهده‌شان است، کار خودشان را با قوت انجام بدهند و ادامه بدهند و به خدای متعال توکل کنند. وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛^۱ و خدای متعال ملت ایران را و حقیقت را و حق را، به طور قطع و یقین، پیروز خواهد کرد ان شاءالله.^۲

تبیین منطق مقاومت

من انتظار دارم که صاحبان فکر و صاحبان بیان و قلم، بخصوص مرتبطین با افکار عمومی جهانیان، این معانی و این مفاهیم را بیان کنند، تبیین کنند، برای مخاطبین روشن کنند، اجازه ندهند که دشمن با تبلیغات فریب‌کارانه‌ی خودش حقیقت را دگرگون جلوه بدهد. دشمن صهیونی یک اشتباه بزرگی کرده، یک جنایت بزرگی را مرتکب شده و باید مجازات بشود و دارد مجازات می‌شود؛ همین حالا دارد

۱. سوره آل عمران، بخشی از آیه ۱۲۶؛ «... و یاری جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست».

۲. دومین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

مجازات می شود. مجازاتی که ملت ایران و نیروهای مسلح ما برای این دشمن خبیث انجام دادند و دارند انجام می دهند و برای آینده برنامه دارند، مجازات سختی است و او را دچار ضعف کرده. همین هم که دوستان آمریکایی اش وارد صحنه می شوند و حرف می زنند، نشانه ی ضعف او و نشانه ی ناتوانی او است.^۱

۱. دومین پیام تلویزیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۸